

نقش دکترین «گروه شرکت‌ها» در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری

دکتر محمدعلی بهمنی *

فهیمة مرادی **

چکیده

داوری به عنوان مطلوب ترین شیوه حل اختلاف در قراردادهای تجاری بین المللی بر اصل حاکمیت اراده و رضایت استوار است. اما رضایت به داوری همواره به نحو صریح ابراز نمی گردد. امروزه روابط پیچیده حقوقی و درگیری اشخاص متعدد در یک معامله تجاری بین المللی داوران را با مسئله تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری روبه رو کرده است. هنگامی که دست کم یکی از طرفین قرارداد حاوی شرط داوری را گروه شرکت‌ها شکل می دهد، پرسش این است که آیا آن دسته از اعضای این گروه که قرارداد یاد شده را امضا نکرده ولی در مراحل مختلف رابطه قراردادی نقش آفرینی نموده اند، طرف واقعی اما پنهان قرارداد داوری به شمار می آیند و در نتیجه، آثار شرط داوری به آن‌ها گسترش می یابد؟ دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی در شرایط خاصی با استناد به دکترین «گروه

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی.

شرکت‌ها» به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. به نظر می‌رسد ضابطه اصلی در جست‌وجوی اطراف واقعی قراردادِ داوری، انتظارات معقول و منصفانه طرفین است که با تفسیر متعارف قرارداد و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر معامله در پرتو اصل بنیادین «حسن نیت» کشف می‌گردد.

کلید واژگان

اطراف واقعی قراردادِ داوری، اشخاص غیرامضاکننده قراردادِ حاوی شرط داوری، گروه شرکت‌ها و گسترش شرط داوری.

مقدمه

۱. سرعت، پیچیدگی و تنوع معاملات تجاری بین‌المللی موجب پیدایش و رشد روزافزون گروه شرکت‌ها در سطوح ملی و فراملی شده است. انجام معاملات اقتصادی بین‌المللی در اغلب موارد مستلزم همکاری و ارتباط نزدیک شرکت‌های عضو گروه است. این موضوع در کنار گرایش چشم‌گیر بازیگران دنیای تجارت بین‌الملل به درج شرط داوری در قراردادهای تجاری بین‌المللی موجب می‌شود که در موارد زیادی شرکت یا شرکت‌های امضاکننده قرارداد حاوی شرط داوری غیر از شرکت یا شرکت‌هایی باشند که موضوع آن قرارداد را اجرا می‌کنند و یا مدیریت پروژه را به عهده می‌گیرند.

۲. در فرضی که یک طرف یا هر دو طرف قرارداد حاوی شرط داوری را گروه شرکت‌ها شکل می‌دهد، دیوان‌های داوری با پرسش‌هایی اساسی در مورد تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری مواجه می‌شوند. مسلماً اشخاصی که با امضای قرارداد حاوی شرط داوری رضایت صریح خود را به داوری ابراز داشته‌اند، آشکارا طرف قرارداد داوری شناخته می‌شوند. اما، ممکن است شخص یا اشخاصی به‌طور مستمر و فعالانه در مذاکرات، انعقاد یا اجرای قرارداد حاوی شرط داوری مداخله و مشارکت نمایند، ولی به دلایل مختلف قرارداد یاد شده به امضای آن‌ها نرسد. در چنین شرایطی، اگر هنگام بروز اختلاف، شخص یا اشخاص غیرامضاکننده قرارداد حاوی شرط داوری در مقام خواهان به شرط داوری استناد کنند یا خواننده دعوای داوری قرار بگیرند، دیوان داوری باید به بررسی این موضوع بپردازد که آیا این اشخاص نیز به واقع طرف واقعی و البته پنهان قرارداد حاوی شرط داوری هستند یا خیر.

۳. باید توجه داشت این مسئله تنها در صورتی قابل طرح است که شرکت‌های عضو گروه دارای شخصیت حقوقی مستقلی باشند. بنابراین، چنانچه قرارداد حاوی شرط داوری از سوی شعبه شرکتهای امضا شده باشد، بی‌گمان این قرارداد شرکت اصلی را ملزم می‌کند؛ زیرا شعبه و شرکت اصلی، شخصیت حقوقی واحدی را شکل می‌دهند.^۱

۴. در صورتی که شرکت‌های عضو گروه از شخصیت حقوقی مستقلی برخوردار باشند، دیوان‌های داوری در مقام تعیین و شناسایی اطراف واقعی قرارداد داوری، از یک طرف، با اصل «نسبی بودن قراردادها» و ماهیت قراردادی داوری روبه‌رو هستند که ایجاب می‌کنند تنها اشخاصی که قرارداد حاوی شرط داوری را امضا کرده‌اند، طرف داوری به شمار آیند. افزون بر آن، اصول حقوق شرکت‌ها نیز بر استقلال شخصیت حقوقی هر یک از شرکت‌های عضو گروه تأکید دارند.^۲ از طرف دیگر، اصولی چون اصل بنیادین «حسن نیت»^۳ و اصل «مدیریت قضایی مطلوب»^۴ در کنار «واقعیت اقتصادی واحد»^۵ گروه شرکت-

1. Fouchard, Gaillard, "Goldman on International Commercial Arbitration", Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999, pp. 282-283, n. 500.

2. Vidal, Dominique, 'The Extension of Arbitration Agreements within Groups of Companies: The Alter Ego Doctrine in Arbitral and Court Decisions', ICC ICarb. Bull., Vol. 16, No. 2, Fall 2005, p. 64.

3. The Principle of Good Faith, in French: Le principe de la bonne foi.

4. The Principle of Good Administration of Justice, in French: Le principe de bonne administration de la justice.

منظور از اصل «مدیریت قضایی مطلوب»، فرآیندی در سیستم قضایی است که نوعاً منتج به اجرای عدالت می‌گردد.

5. Unique Economic Reality, in French: Une réalité économique unique.

ها و ضرورت کارآمدی داوری اقتضا دارند که دیوان داوری از تفسیر ظاهری و شکلی موافقت‌نامه داوری عبور کند و با تدقیق در رفتار و اعمال اشخاص درگیر و تفسیر اراده مشترک و متقابل طرفین به تعیین اطراف واقعی اعم از اطراف آشکار و پنهان قرارداد داوری پردازد. بررسی این موضوع که همانا تعیین صلاحیت شخصی دیوان داوری است، در هر دعوایی از تقدم و اولویت برخوردار است. بنابراین، مطالعه آن به لحاظ نظری و عملی حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

۵. دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی در مقام تفسیر اراده مشترک طرفین و تعیین اطراف واقعی قرارداد حاوی شرط داوری به تئوری‌های حقوقی مختلفی متوسل می‌شوند. یکی از این تئوری‌ها، دکترین «گروه شرکت‌ها»^۶ است. در این پژوهش، به منظور مطالعه مسئله تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری در گروه شرکت‌ها، ابتدا ظهور دکترین «گروه شرکت‌ها» (گفتار اول) و تحول رویه در استناد به دکترین یاد شده در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری (گفتار دوم) مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به ارزیابی میزان مقبولیت دکترین مذکور در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری پرداخته می‌شود (گفتار سوم).

گفتار اول: ظهور دکترین «گروه شرکت‌ها»

۶. نظام حقوقی فرانسه اولین نظام حقوقی بود که دکترین «گروه شرکت‌ها» را اعمال

6. Group of Companies Doctrine, in French: La théorie de groupes de sociétés.

نمود.^۷ در واقع، زمینه پیدایش این دکترین در اوایل دهه ۱۹۷۰ در رویه داوری و قضایی فرانسه ایجاد شد. در آن زمان، دیوان‌های داوری و دادگاه‌های دولتی برای رهایی از قواعد غیرمنعطف قانون سابق آیین دادرسی مدنی فرانسه پذیرفتند که شروط داوری بین‌المللی نه تنها از قرارداد اصلی، بلکه از نظام‌های حقوقی ملی نیز مستقل باشند و اعتبار آن‌ها مشروط به رعایت نظم عمومی فراملی، تنها در پرتو عرف‌های تجاری بین‌المللی و توافق طرفین مورد بررسی قرار گیرد.^۸ بر این اساس، در این نظام حقوقی نه تنها طرفین می‌توانند اعتبار شکلی و ماهوی شرط داوری را تابع قانون یا قواعد حقوقی منتخب خود نمایند، بلکه از آن فراتر اعتبار شرط داوری، به استثنای قواعد آمره حقوق فرانسه و نظم عمومی بین‌المللی، تنها بر اساس اراده مشترک طرفین و بدون نیاز به ارجاع به یک قانون دولتی سنجیده می‌شود.^۹

7. Courtney, Tae, "Binding Non-Signatories to International Arbitration Agreements: Raising Fundamental Concerns in the United States and Abroad", *Richmond Journal of Global Law & Business*, Vol. 8, No. 4, 2008-2009, p. 588; Poudret, Jean-François, "L'extension de la clause d'arbitrage: approches française et suisse", *J.D.I.*, Vol. 122, No. 4, 1995, p. 898.

8. Paris, 19 Juin 1970, *Hecht c/ Société Buisman's*, *J.D.I.*, Vol. 98, N° 4, 1971, pp. 833 et suiv., spéc. p. 834; Cass. (1^{re} Ch. civ.), 4 Juillet 1972, *Hecht c/ Société Buisman's*, *J.D.I.*, Vol. 99, N° 4, 1972, p. 843; Cass. (1^{re} Ch. civ.), 20 Décembre 1993, *Comité populaire de la municipalité de Khoms El Mergeb c/ Société Dalico Contractors (L'affaire "Dalico")*, *J.D.I.*, Vol. 121, N° 2, 1994, p. 432.

۹. گفتنی است به موجب ماده ۱۵۰۷ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۲۰۱۱، هیچ شرط

شکلی برای اعتبار موافقت‌نامه داوری بین‌المللی وجود ندارد. ببینید:

Nouveau Code de Procédure Civile (version consolidée au 11 Novembre 2011), available at: <<http://www.legifrance.gouv.fr>>, last visited on January 17, 2013, Art. 1507 (Modifié par Décret n° 2011-48 du 13 Janvier 2011 - Art. 2): 'La convention d'arbitrage n'est soumise à aucune condition de forme'.

۷. به‌طور خاص، سنگ بنای دکترین «گروه شرکت‌ها» در رای دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (آی. سی. سی.)^{۱۰} در پرونده معروف «داو کمیکال»^{۱۱} گذاشته شد. در این پرونده، دو شرکت فرعی از گروه «داو کمیکال» (شرکت‌های سویسی) برای توزیع و فروش محصولات خود در فرانسه دو قرارداد حاوی شرط داوری را با چند شرکت منعقد نمودند که آن شرکت‌ها سپس حقوق خود را به شرکت فرانسوی «ایزو سن گوبن» واگذار کردند. پس از بروز اختلاف، دو شرکت فرعی «داو کمیکال» (امضاکنندگان قراردادهای حاوی شرط داوری) همراه با شرکت مادر (شرکت آمریکایی) و شرکت فرعی دیگری (شرکت فرانسوی) از این گروه (که قراردادهای حاوی شرط داوری را امضا نکرده، ولی در مذاکرات و اجرای آن‌ها مشارکت نموده بودند) رسیدگی داوری را علیه شرکت فرانسوی «ایزو سن گوبن» آغاز کردند. در نتیجه، خوانده نسبت به صلاحیت دیوان داوری برای استماع ادعاهای دو شرکت غیرامضاکننده قراردادهای حاوی شرط داوری اعتراض کرد.

۸. دیوان داوری در رای جزئی خود راجع به صلاحیت، استدلال‌های خوانده دعوا را

10. International Chamber of Commerce (ICC), in French: Chambre de commerce internationale (CCI).

11. Affaire n° 4131 de la CCI, 23 Septembre 1982, Société Dow Chemical c/ Isover-Saint-Gobain (L'affaire "Dow Chemical"), Rev. arb., 1984, N° 1, pp. 137 et suiv.; Jarvin, Sigvard, and Derains, Yves, Collection of ICC Arbitral Awards, Recueil des sentences arbitrales de la CCI, Vol. I (1974-1985), Kluwer Law and Taxation Publishers, Deventer/The Netherlands, 1990, hereinafter: ICC Awards, Vol. I (1974-1985), pp. 146 et seq. (English version), and pp. 465 et suiv. (French version); J.D.I., Vol. 110, N° 4, 1983, pp. 899 et suiv.; For excerpts translated into English, see: ICCA Yearbook Commercial Arbitration (hereinafter: Y.C.A.), Vol. IX, 1984, pp. 131 et seq.

رد کرد و با وجود آن‌که قانون فرانسه حاکم بر ماهیت اختلاف بود، با استناد به مواد (۳) ۸ و (۴) ۸ قواعد داوری آی. سی. سی. که به قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت و قاعده استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی اشاره داشتند، فارغ از اعمال هرگونه قانون ملی، صلاحیت خود را بر مبنای اراده مشترک اطراف قراردادهای و عرف‌های منطبق با نیازهای تجارت بین‌الملل به‌خصوص در ارتباط با وجود گروهی از شرکت‌ها احراز نمود.^{۱۲}

دیوان داوری با بررسی وقایع پرونده دریافت که شرکت مادر گروه «داو کمیکال» نسبت به شرکت‌های فرعی امضاکننده قراردادهای حاوی شرط داوری نقش مسلطی داشته و شرکت فرعی غیرامضاکننده نیز به‌طور مؤثری در انعقاد، اجرا و خاتمه قراردادهای مورد اختلاف ایفای نقش کرده است. دیوان داوری همچنین افزود که تمام اطراف قراردادهای از مداخله شرکت‌های خواهان در مراحل مختلف انعقاد، اجرا و خاتمه قراردادهای آگاه بوده و این مسئله را در انعقاد قرارداد خود در نظر گرفته‌اند. در نتیجه، از نظر هیچ یک از دو طرف قرارداد انتخاب شرکت خاصی در گروه «داو کمیکال» برای امضای قرارداد اهمیت نداشته است و تمام اشخاص این گروه که در توزیع محصولات در فرانسه درگیر شده بودند، خود را طرف این قراردادهای می‌دانسته‌اند.^{۱۳}

دیوان داوری سپس با در نظر گرفتن «واقعیت اقتصادی واحد» گروه شرکت‌ها چنین

12. Rev. arb., op. cit., pp. 149-150; ICC Awards, op. cit., p. 149; Y.C.A., op. cit., p. 136.

13. Rev. arb., op. cit., pp. 143-148; ICC Awards, op. cit., pp. 149-151; Y.C.A., op. cit., pp. 134-136.

نتیجه گرفت:

«گروه شرکت‌ها، صرف‌نظر از شخصیت حقوقی مستقل هر یک از اعضا، واقعیت اقتصادی واحدی را شکل می‌دهد که دیوان داوری هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص صلاحیت خود ... باید آن را در نظر بگیرد. ... شرط داوری که صراحتاً از سوی برخی از شرکت‌های گروه پذیرفته شده است، باید شرکت‌های دیگر را نیز ملزم نماید؛ شرکت‌هایی که با توجه به نقش آن‌ها در انعقاد، اجرا یا خاتمه قراردادهای حاوی شروط مذکور و بر اساس اراده متقابل تمام اطراف رسیدگی، به نظر می‌رسد اطراف واقعی این قراردادها باشند یا به نحو اساسی با آن‌ها یا اختلافات ناشی از آن‌ها درگیر شده باشند» (تأکید از نویسنده است).^{۱۴}

در نهایت، دیوان داوری بدون نادیده گرفتن شرط رضایت، صلاحیت خود را نسبت به تمام اطراف تأیید کرد و بیان داشت که «اوضاع و احوال و اسناد ارزیابی شده در این پرونده نشان می‌دهند که این اعمال صلاحیت منطبق با اراده مشترک اطراف قراردادها است». ^{۱۵}

۹. به دنبال اعتراض خواننده، دادگاه تجدیدنظر پاریس درخواست ابطال رای داوری را رد نمود و ضمن بیان استدلال زیر تصمیم دیوان داوری را در مورد صلاحیت تأیید کرد: «داوران که از اختیار انحصاری تفسیر قرارداد برخوردارند، با بررسی اسناد مربوط به

14. Rev. arb., op. cit., p. 148; ICC Awards, op. cit., p. 151; Y.C.A., op. cit., p. 136.

15. Rev. arb., op. cit., p. 149; ICC Awards, op. cit., p. 152; Y.C.A., op. cit., pp. 136-137.

مذاکره و خاتمه قراردادهای که بین طرفین مبادله شده‌اند ... به‌درستی چنین قضاوت کرده‌اند که بر مبنای اراده مشترک تمام شرکت‌های درگیر، شرکت «داو کمیکال مادر» و شرکت «داو کمیکال فرانسه» با وجود آن که این قراردادها را امضا نکرده‌اند، طرف آن‌ها هستند و شرط داوری بر آن‌ها نیز قابل اعمال است.^{۱۶}

۱۰. ملاحظه می‌شود دیوان داوری در این پرونده ابتدا با تأکید بر استقلال شرط داوری از هر قانون ملی، خود را در تعیین صلاحیت تنها به اراده مشترک طرفین و عرف‌های تجاری بین‌المللی مربوط به گروه شرکت‌ها محدود دانست. این دیوان سپس با بررسی اسناد قراردادی و روابط اطراف قراردادهای یکدیگر، به‌طور خاص نقش مسلط شرکت مادر بر دیگر شرکت‌های گروه و مداخله مؤثر شرکت فرعی غیرامضاکننده در انعقاد، اجرا و اتمه قراردادهای به این نتیجه رسید که هر دو طرف قراردادهای از مداخله شرکت‌های گروه آگاه بوده‌اند و آن‌ها را طرف رابطه قراردادی خود قلمداد می‌کرده‌اند. علاوه بر آن، دیوان داوری به «واقعیت اقتصادی واحد» گروه شرکت‌ها توجه کرد و از مجموعه عوامل یاد شده رضایت ضمنی تمام اطراف را مبنی بر آن که اشخاص غیرامضاکننده نیز طرف داوری باشند، احراز نمود.

۱۱. سه سال بعد در پرونده دیگری،^{۱۷} دادگاه تجدیدنظر «پو» به طرز مشابهی با استناد

16. Paris (1^{re} Ch. suppl.), 21 Octobre 1983, Société Isover-Saint-Gobain c/ Sociétés Dow Chemical France et autres, Rev. arb., 1984, N° 1, pp. 98 et suiv., spéc. p. 100; ICC Awards, Vol. I (1974-1985), pp. 146-147.

17. Pau, 26 Novembre 1986, Société Sponsor A.B. c/ Lestrade, Rev. arb., 1988, N° 1, pp. 153 et suiv., Note de André Chapelle.

به دو مبنای ایجاد شده در پرونده «داو کمیکال» یعنی نقشی که شرکت مادر در انعقاد، اجرا و خاتمه قراردادهای ایفا نموده بود و «واقعیت اقتصادی واحد» گروه شرکت‌ها، شرکت مادر غیرامضاکننده را ملزم به شرط داوری امضا شده از سوی شرکت فرعی آن دانست و اصول حاکم بر تصمیم خود را چنین خلاصه کرد:

«در حقوق پذیرفته شده است که شرط داوری که از سوی برخی از شرکت‌های گروه به‌طور صریح مورد قبول قرار گرفته، باید سایر شرکت‌ها را نیز ملزم کند؛ شرکت‌هایی که با توجه به نقشی که در انعقاد، اجرا یا خاتمه قراردادهای حاوی شروط مذکور ایفا نموده‌اند و بر اساس اراده مشترک تمام اطراف رسیدگی، به نظر می‌رسد اطراف واقعی آن قراردادهای بوده‌اند یا به‌طور مستقیم با آن قراردادهای یا اختلافات احتمالی ناشی از آن‌ها مرتبط شده‌اند.

در واقع، گروه شرکت‌ها، علی‌رغم شخصیت حقوقی مستقل هر یک از شرکت‌ها، از واقعیت اقتصادی واحدی برخوردار است که از آنجا که وجود آن در عرف‌های تجارت بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، دادگاه‌ها باید آن را در نظر بگیرند» (تأکید از نویسنده است).^{۱۸}

۱۲. از نظر این دادگاه، مشارکت در انعقاد، اجرا و خاتمه قرارداد از سوی شخص غیرامضاکننده که معیاری برای تفسیر اراده طرفین است به عرفی در تجارت بین‌الملل تبدیل شده که مورد شناسایی حقوق واقع گردیده است. به همین دلیل، مفسر این رای این

18. Ibid., p. 156.

پرسش را طرح می‌کند که «آیا ما در رویه قضایی شاهد ضرورت وجود قاعده بنیادین جدیدی در داوری بین‌المللی نیستیم که به دادگاه اجازه دهد تعدد شخصیت‌های حقوقی گروهی از شرکت‌ها را نادیده گرفته و واقعیت اقتصادی واحد آن را در نظر بگیرد؟»^{۱۹}.

۱۳. در پرونده «کیس فرانس»^{۲۰} دادگاه تجدیدنظر پاریس بار دیگر به بررسی اوضاع و احوالی پرداخت که در آن شرط داوری در گروه شرکت‌ها گسترش یافت. در این پرونده، دو شرکت مادر از دو گروه شرکت‌ها قرارداد چارچوبی را به نام خود و به حساب شرکت‌های فرعی‌شان منعقد نموده بودند. به دنبال این قرارداد، شرکت‌های فرعی به انعقاد قراردادهای خاص پرداخته و در آن‌ها به موافقت‌نامه چارچوب ارجاع دادند.

۱۴. دیوان داوری با تفسیر قراردادهای مورد اختلاف دریافت که در این پرونده دو گروه از شرکت‌ها برای تحقق معامله اقتصادی واحدی در قالب مجموعه‌ای قراردادی با هم مرتبط شده‌اند و با اعمال دکترین «گروه شرکت‌ها» و استناد به عرف‌های تجارت بین‌الملل صلاحیت خود را نسبت به شرکت‌های فرعی غیرامضاکننده احراز کرد.^{۲۱}

۱۵. با اعتراض شرکت مادر و شرکت فرعی از گروه «کیس فرانس»، دادگاه تجدیدنظر پاریس ضمن تأیید تصمیم دیوان داوری اعلام کرد که دیوان داوری با بررسی قراردادهای بین طرفین به این نتیجه رسیده که تعهدات متقابل آن‌ها ارتباط نزدیکی با

19. Ibid., p. 160.

20. Paris (1^{re} Ch. suppl.), 31 Octobre 1989, Société Kis France et autres c/ Société générale et autres (L'affaire "Kis France"), Rev. arb., 1992, N° 1, pp. 90 et suiv.; For excerpts translated into English, see: Y.C.A., Vol. XVI, 1991, pp. 145 et seq.

21. Rev. arb., op. cit., pp. 90-91.

یکدیگر داشته و شرکت‌های مادر بر شرکت‌های فرعی خود موقعیت مسلطی داشته‌اند که آن‌ها را ملزم به تبعیت از تصمیمات مالی و تجاری شرکت‌های مادر کرده است. در نتیجه، دیوان داوری بر مبنای اراده مشترک اطراف قراردادهای خود را نسبت به رسیدگی به اختلافات شرکت‌های فرعی غیرامضاکننده نیز صالح دانسته است.^{۲۲}

۱۶. ملاحظه می‌شود که دیوان‌های داوری تشکیل شده در کشور فرانسه و نیز دادگاه تجدیدنظر پاریس در پرونده‌های پیش‌گفته با لحاظ «واقعیت اقتصادی واحد» گروه شرکت‌ها و نقش و مداخله مؤثر اشخاص غیرامضاکننده در مراحل مختلف حیات قرارداد، شناسایی اشخاص مزبور را به عنوان طرف واقعی قرارداد داوری منطبق با اراده متقابل تمام اطراف رابطه حقوقی تشخیص داده‌اند.

گفتار دوم: تحول رویه در استناد به دکترین «گروه شرکت‌ها» در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری

۱۷. رویه قضایی فرانسه درخصوص شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه شرکت‌ها به تدریج دچار تحول گردید و دادگاه تجدیدنظر پاریس در آرای بعدی خود، گسترش شرط داوری را بر آنچه از آن به قاعده «اعتبار و نفوذ شرط داوری»^{۲۳} یاد می‌کند،

22. Ibid., p. 93.

23. Validity and Effectiveness of the Arbitration Clause, in French: Le principe de la validité et l'efficacité de la clause compromissoire.

مبتنی کرده که برخی^{۲۴} آن را قاعده‌ای بنیادین در داوری بین‌المللی می‌دانند. این دادگاه از جمله در دو پرونده در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ چنین مقرر داشت:

«شرط داوری در قرارداد بین‌المللی اعتبار و نفوذ مناسب خود را دارد، به گونه‌ای که ایجاب می‌کند آن شرط به اشخاصی که به‌طور مستقیم در اجرای قرارداد و اختلافات ناشی از آن نقش داشته‌اند، تسری یابد؛ هنگامی که ثابت شده باشد که موقعیت و اقدامات اشخاص مزبور این فرض را ایجاد می‌کند که اگرچه آن‌ها قرارداد حاوی شرط داوری را امضا نکرده‌اند، ولی از وجود و قلمرو شرط داوری آگاه بوده‌اند».^{۲۵}

۱۸. دادگاه تجدیدنظر پاریس در این دسته از آرای خود گسترش شرط داوری را بر دو مبنا استوار ساخته است: اول، مداخله مستقیم اشخاص غیرامضاکننده در اجرای قرارداد و دوم، آگاهی آن‌ها از وجود و قلمرو شرط داوری. نکته جالب آن است که اگرچه در رای اول، دیوان داوری در تأیید صلاحیت خود به وجود شرکت فرعی اشاره کرده است، در رای دوم اشخاص غیرامضاکننده‌ای که آثار شرط داوری به آن‌ها تسری یافته، متعلق به گروهی از شرکت‌ها نبوده‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد تئوری «گروه شرکت‌ها» که در نظام حقوقی فرانسه ایجاد گردید و به تدریج رشد نمود، پس از مدتی از معیار خود منحرف

24. Note de Pierre-Yves Tschanz, Rev. arb., 1989, N° 4, pp. 698 et suiv., spéc. p. 706.

25. Paris (1^{re} Ch. urg.), 30 Novembre 1988, Société Korsnas Marma c/ Société Durand-Auzias, Rev. arb., 1989, N° 4, pp. 691 et suiv., spéc. p. 694; Paris (1^{re} Ch. suppl.), 14 Février 1989, Société Ofer Brothers c/ The Tokyo Marine and Fire Insurance Co. Ltd. et autres, Rev. arb., 1989, N° 4, pp. 695 et suiv., spéc. p. 696, Note de Pierre-Yves Tschanz.

شده و نسبت به اشخاص غیرامضاکننده خارج از گروه نیز اعمال گردیده است.

۱۹. علاوه بر آن، قابل توجه است که در رویه پیشین، بر مداخله اشخاص غیرامضاکننده در مراحل انعقاد، اجرا و خاتمه قرارداد تأکید می‌شد و از نظر دکترین، صرف مشارکت شخص غیرامضاکننده در اجرا بدون آن که همراه با مداخله در مرحله مذاکره یا انعقاد قرارداد باشد، برای گسترش شرط داوری به او کافی قلمداد نمی‌گردید؛ زیرا در تفسیر اراده طرفین باید انتظارات آن‌ها را در زمان انعقاد قرارداد در نظر گرفت.^{۲۶} اما، در رویه جدید مشاهده می‌شود که از نظر دادگاه تجدیدنظر پاریس صرف نظر از وجود گروه شرکت‌ها، صرف دخالت در اجرای قرارداد (بدون نیاز به مداخله در مرحله مذاکره یا انعقاد) برای اثبات آگاهی از وجود و قلمرو شرط داوری و در نتیجه گسترش شرط داوری به شخص غیرامضاکننده کفایت می‌کند.

۲۰. رای صادر شده در پرونده «کُتوناو» نیز شاهد مثال دیگری بر این موضوع است. در این پرونده، دیوان داوری شرط داوری مندرج در قرارداد منعقد بین دو سازمان دولتی فرانسوی و تونس را نسبت به متصدی حمل غیرامضاکننده قرارداد («کُتوناو») الزام‌آور

26. Park, William W., 'Non-Signatories and International Arbitration', in: Newman, Lawrence W., and Hill, Richard D. (eds.), *The Leading Arbitrators' Guide to International Arbitration*, Juris Publishing, Inc., 2nd ed., 2008, p. 577.

البته برخی معتقدند برای تفسیر با حسن نیت اراده طرفین، باید رفتار آن‌ها پس از انعقاد قرارداد تا زمان بروز اختلاف نیز مورد لحاظ قرار گیرد؛ زیرا این رفتار نشان می‌دهد که طرفین به واقع چه در کی از قرارداد منعقد شده داشته‌اند. ببینید:

Fouchard, op. cit., p. 257.

دانست و او را مسئول خسارات ناشی از عدم رعایت تعهد بر تعیین کشتی شناخت. دادگاه تجدیدنظر پاریس نیز بار دیگر با استناد به قاعده «اعتبار و نفوذ شرط داوری» در قرارداد بین‌المللی رای دیوان داوری را تأیید کرد.^{۲۷}

۲۱. ملاحظه می‌شود در این پرونده نیز صرف مشارکت شخص غیرامضاکننده در اجرای قرارداد، بدون آن که او هیچ ارتباط سازمانی با طرفین قرارداد داشته باشد، برای اثبات قبول شرط داوری از سوی او کافی قلمداد شده است. به نظر می‌رسد اعمال موسع فرمول ارائه شده از سوی دادگاه تجدیدنظر پاریس با این خطر مواجه است که شرط داوری به اشخاصی تسری یابد که حتی رضایت ضمنی آن‌ها به داوری احراز نشده است.

۲۲. خوشبختانه دیوان عالی کشور فرانسه با وجود رد فرجام‌خواهی نسبت به رای دادگاه تجدیدنظر پاریس، این فرمول را نپذیرفت و برای موافقت با گسترش شرط داوری به شخص غیرامضاکننده چنین استدلال کرد که «گئوناو» با قبول مداخله در اجرای قرارداد به‌عنوان متصدی حمل، تعهدات تعریف شده در قرارداد را در مورد متصدی حمل و ملزومات آن تعهدات از جمله شرط داوری را قبول کرده و با اجرای قرارداد و آگاهی از شرط داوری، آن را تأیید نموده است.^{۲۸} با این حال، به نظر می‌رسد با وجود آن که این دیوان رضایت ضمنی «گئوناو» را دلیل گسترش شرط داوری به او دانسته، همزمان بر امکان احراز رضایت ضمنی در خارج از «گروه شرکت‌ها» مهر تأیید زده است.

27. Paris (1^{re} Ch. suppl.), 28 Novembre 1989, Compagnie Tunisienne de Navigation Cotunav) c/ Société Comptoir Commercial André (L'affaire "Cotunav"), Rev. arb., 1990, N° 3, pp. 675 et suiv., Note de Pierre Mayer.

28. Cass. (1^{re} Ch. civ.), 25 Juin 1991, Compagnie Tunisienne de Navigation Cotunav c/ Société Comptoir Commercial André, Rev. arb., 1991, N° 3, pp. 453 et suiv., spéc. pp. 453-454.

۲۳. در نتیجه، همان‌طور که در آرای پس از پرونده «داو کمیکال» مشاهده شد، به تدریج رضایت ضمنی تنها از اجرای قرارداد از سوی اشخاص غیرامضاکننده استنباط شده است. در واقع، «معیار شخصی یا ذهنی عضویت در گروه به نفع معیار عینی ارتباط با موضوع قرارداد که شرط داوری فقط امر جانبی اجرای آن است، کنار گذاشته شد»^{۲۹}. قابل ذکر است که دیوان عالی کشور فرانسه در برخی از آرای اخیر خود در سال ۲۰۰۷ عنصر آگاهی را نیز لازم ندانسته و صرف مداخله شخص غیرامضاکننده در اجرای قرارداد را برای گسترش شرط داوری به او کافی تلقی کرده است.^{۳۰}

گفتار سوم: میزان مقبولیت دکترین «گروه شرکت‌ها» در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری

۲۴. شکل‌گیری دکترین «گروه شرکت‌ها» در نظام حقوقی فرانسه زائیده نگاه

29. Poudret, Jean-François, and Besson, Sébastien, *Comparative Law of International Arbitration*, Berti, Stephen V., and Ponti, Annette (trs.), Thomson Sweet & Maxwell, 2007, p. 220, n. 256.

همچنین ببینید:

Paris (1^{re} Ch. C), 26 Octobre 1995, SNCFT c/ Société Voith, Rev. arb., 1997, N° 4, pp. 553 et suiv., spéc. p. 555.

30. Cass. (1^{re} Ch. civ.), 27 Mars 2007, Alcatel Business Systems (ABS) c/ Société Amkor Technology et autres, Rev. arb., 2007, N° 4, pp. 785 et suiv., spéc. p. 787.

دادگاه تجدیدنظر پاریس نیز در رأی به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۸ اشخاص غیرامضاکننده را صرفاً بر مبنای مداخله در اجرای قراردادها ملزم به داوری دانسته است. ببینید:

Paris, 25 Septembre 2008, Joseph Abela Family Foundation, cited in: Mourre, Alexis, Vagenheim, Alexandre, "Extension" of the Arbitration Agreement, Joinders, Review of Awards Declining Jurisdiction and Public Policy: News from Paris and Lausanne', 12 May 2009, available at: <<http://kluwerarbitrationblog.com/blog/2009/05/12/>>, last visited on February 12, 2013.

اقتصادی به حقوق بوده است. این موضوع که شرکت‌های مشارکت‌کننده در مراحل مختلف مذاکره، انعقاد، اجرا و حتی خاتمه قرارداد، اعضای یک خانواده اقتصادی و یا اجزای واقعیت اقتصادی واحدی بوده‌اند و در سود و زیان ناشی از اجرای قرارداد یاد شده سهم داشته‌اند، در تفسیر اراده‌های اطراف رابطه حقوقی و تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری اعم از اطراف آشکار و پنهان آن تأثیری انکارناپذیر دارد. اگرچه استناد به دکترین «گروه شرکت‌ها» در پرتو کشف رضایت متقابل تمام اطراف صورت گرفته، اما این دکترین با استقبال تمام نظام‌های حقوقی مواجه نشده است. از این رو، در این گفتار با رویکردی تطبیقی به مطالعه میزان مقبولیت دکترین یاد شده در نظام حقوقی رومی-ژرمنی (بند اول) و نظام کامن‌لا (بند دوم) در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری پرداخته می‌شود.

بند اول - نظام حقوقی رومی - ژرمنی

۲۵. به منظور مطالعه رویکرد نظام حقوقی رومی - ژرمنی نسبت به شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری با توسل به دکترین «گروه شرکت‌ها»، ابتدا نکاتی تکمیلی در ادامه مباحث پیش گفته در مورد موضع نظام حقوقی فرانسه بیان می‌گردد (الف)؛ سپس، رویکرد نظام حقوقی سوییس نسبت به موضوع بررسی می‌شود؛ چراکه امروزه این کشور محل برگزاری بسیاری از داوری‌های تجاری بین‌المللی است و اگر نظام حقوقی آن به عنوان قانون حاکم انتخاب نشده باشد، به عنوان نظام حقوقی مقرر در رسیدگی داوری تأثیرگذار است (ب)؛ و در آخر، به مطالعه موضع نظام حقوقی ایران به عنوان نظامی از خانواده

حقوقی رومی - ژرمنی در این خصوص پرداخته می‌شود (ج).

الف - نظام حقوقی فرانسه

۲۶. بررسی رویه داوری و قضایی فرانسه درباره موضوع محل بحث نشان می‌دهد که معیار اصلی در نظر دیوان‌های داوری تشکیل شده در این کشور و دادگاه‌های فرانسه برای شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری، کشف اراده واقعی و متقابل اطراف رابطه حقوقی است. از آنجا که در چنین مواردی رضایت طرفین به‌طور صریح ابراز نشده است، دیوان‌های داوری و دادگاه‌ها دست کم احراز رضایت ضمنی را در این خصوص لازم می‌دانند.

۲۷. رضایت ضمنی، در بیشتر موارد از نوع رفتار و مداخله اشخاص غیرامضاکننده مانند مشارکت فعال و مؤثر در مذاکره، انعقاد، اجرا یا خاتمه قرارداد حاوی شرط داوری استنباط می‌شود. باید توجه داشت که دیوان‌های داوری صرف مداخله اتفاقی یا موردی شخص غیرامضاکننده را کافی ندانسته و بر ضرورت وجود مداخله واقعی و مؤثر که این باور را در طرف دیگر قرارداد ایجاد کند که شخص غیرامضاکننده نیز طرف قرارداد و ملزم به اجرای تعهدات قراردادی است، تأکید داشته‌اند.^{۳۱} در چنین مواردی، اتکای با حسن نیت طرف مقابل بر ظواهر ایجاد شده، گسترش قلمرو شخصی شرط داوری را به اشخاص غیرامضاکننده توجیه می‌کند. به همین دلیل، در مواردی که احراز رضایت ضمنی از وقایع

31. Vidal, op. cit., p. 69.

پرونده ممکن نبوده، با گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده در گروه شرکت‌ها مخالفت شده است.^{۳۲}

۲۸. رضایت ضمنی علاوه بر رفتار شخص غیرامضاکننده، از مجموعه‌ای از شرایط عینی موجود در پرونده که منجر به ایجاد همان باور مشروع در طرف مقابل شده‌اند، احراز می‌شود. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌ای^{۳۳} دیوان داوری اعلام کرد که «قراردادها شبکه‌ای به هم تنیده از تعهدات را بین شرکت‌های مرتبط ایجاد کرده‌اند که نشان می‌دهد خواندگان برای ایجاد یک واحد اقتصادی ... ساختاری قراردادی را به‌وجود آورده‌اند که شرکت‌های فرعی را نیز ملزم کند».

۲۹. همچنین هنگامی که تحلیل دقیق روابط قراردادی در گروه نشان می‌دهد که اطراف قراردادهای مختلف به‌طور رسمی تعیین نمی‌شده‌اند، دیوان داوری چنین استدلال کرده است که وقتی خواهان در واقع با گروه قرارداد بسته و آن گروه اجرای رضایت‌بخش قرارداد را تضمین نموده، دیگر خواهان برای ورود به روابط درون‌سازمانی گروه نفعی ندارد و این که در زمان‌های مختلف شرکت‌های مختلفی از گروه برای اجرای عملیات تعیین شده‌اند، دلالت بر آن دارد که تعیین شرکتی خاص از نظر تمام اطراف از اهمیت

۳۲. به‌عنوان نمونه، ببینید:

Sentence rendue dans l'affaire, n° 4972 en 1989, J.D.I., Vol. 116, N° 4, 1989, pp. 1101 et suiv., spéc. p. 1103; ICC Awards, Vol. II (1986-1990), pp. 380 et suiv., spéc. pp. 382-383.

33. ICC Case No. 5894 of 1989, cited in: Vidal, op. cit., p. 68.

ثانویه برخوردار بوده است.^{۳۴}

۳۰. همان‌طور که بیان گردید، در نظام حقوقی فرانسه، شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری ابتدا بر مبنای واقعیت اقتصادی واحد گروه شرکت‌ها و مداخله شخص غیرامضاکننده در انعقاد، اجرا و خاتمه قرارداد مورد قبول قرار می‌گرفت؛ اما، به تدریج شرط داوری نسبت به اشخاص غیرامضاکننده خارج از گروه نیز به صرف مشارکت در اجرای قرارداد گسترش یافته که این امر گویای این حقیقت است که در حقوق فرانسه، پذیرش گسترش شرط داوری بیش از وجود گروه شرکت‌ها به اراده متقابل اطراف قرارداد بستگی دارد. به همین دلیل، بر سر این موضوع توافق وجود دارد که صرف آن که اشخاص امضاکننده و غیرامضاکننده به گروهی از شرکت‌ها تعلق داشته باشند یا سهامداری از موقعیت مسلطی در گروه برخوردار باشد، به خودی خود برای توجیه گسترش شرط داوری کافی نیست^{۳۵} و وجود گروه شرکت‌ها صرفاً یکی از عواملی است که دیوان داوری هنگام تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری باید در کنار عوامل دیگر در نظر بگیرد.^{۳۶}

34. Sentence rendue dans l'affaire, n° 1434 en 1975, J.D.I., Vol. 103, N° 4, 1976, pp. 978 et suiv., spéc. pp. 979-980; For excerpts translated into English, see: ICC Awards, Vol. I (1974-1985), pp. 262 et seq., at: p. 264.

35. Hanotiau, Bernard, 'Multiple Parties and Multiple Contracts in International Arbitration', in: Macmahon, Belinda (ed.), Multiple Party Actions in International Arbitration, Oxford University Press, 2009, p. 39, n. 2.08; Hanotiau, Bernard, 'Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues-An Analysis', J. Int'l. Arb., Vol. 18, No. 3, June 2001, p. 293; Poudret, and Besson, op. cit., p. 229, n. 265; Vidal, op. cit., p. 65; Wilske, Stephan and Others, 'The "Group of Companies Doctrine" – Where Is It Heading?', The American Review of International Arbitration, Vol. 17, No. 1, 2006, p. 78.

36. Hanotiau, Bernard, 'Les groupes de sociétés dans l'arbitrage commercial

همچنین، باید افزود بین فرضی که شخص غیرامضاکننده در مقام خواهان به شرط داوری استناد می‌کند (گسترش فعال) و فرضی که شخص غیرامضاکننده در مقام خوانده ملزم به شرط داوری می‌شود (گسترش منفعل) تفاوتی وجود ندارد؛ اگرچه داوران در فرض دوم که مسئله ناظر بر الزام شخص غیرامضاکننده مخالف با گسترش شرط داوری است، نسبت به حالت اول که رضایت شخص غیرامضاکننده به گسترش شرط داوری محرز می‌باشد، با سخت‌گیری بیشتری برخورد می‌کنند.^{۳۷} با این حال، در هر دو حالت بار اثبات دعوا بر عهده مدعی گسترش قلمرو شخصی شرط داوری است.

ب - نظام حقوقی سوییس

۳۱. پیش از مطالعه موضع نظام حقوقی سوییس در مورد شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری بر مبنای دکترین «گروه شرکت‌ها»، لازم است ابتدا به دو تفاوت مهم این نظام حقوقی با نظام حقوقی فرانسه اشاره گردد:

← international', dans: Dely, Filip, Hanotiau, Bernard, Keutgen, Guy, Matray, Didier, Matray, Gautier, et Wymeersch, Eddy (éds.), La convention d'arbitrage groupes de sociétés et groupes de contrats, Bruylant, Bruxelles, 2007, p. 123.

37. Fouchard, op. cit., p. 286, Fn. 200; Hanotiau, 'Les groupes de sociétés dans l'arbitrage commercial international', op. cit., p. 133; Hanotiau, Bernard, 'Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues-An Analysis', op. cit.; Park, William W., 'Non-Signatories and International Arbitration', op. cit., pp. 578-579; Poudret, and Besson, op. cit., p. 214, n. 252; Stucki, Blaise, and Wittmer, Schellenberg, 'Extension of Arbitration Agreements to Non-Signatories', ASA Below 40 - Conference of September 29, 2006, Geneva, pp. 5-6, available at: <<http://www.arbitration-ch.org/below-40/pdf/extension-bs.pdf>>, last visited on February 20, 2013.

تفاوت اول به شرایط شکلی اعتبار موافقت‌نامه داوری مربوط می‌شود: در حالی که در نظام حقوقی فرانسه هیچ شرط شکلی برای اعتبار موافقت‌نامه داوری بین‌المللی وجود ندارد، در نظام حقوقی سوییس به موجب «پیمان بین کانتونی سوییس راجع به داوری» مصوب ۱۹۶۹^{۳۸} و بند اول ماده ۱۷۸ «قانون فدرال سوییس راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی» مصوب ۱۹۸۷ (که فصل دوازدهم آن به داوری بین‌المللی اختصاص دارد)،^{۳۹} اراده طرفین به داوری باید در اسناد کتبی ابراز شده باشد و رضایت شفاهی آن‌ها کفایت نمی‌کند.^{۴۰}

البته، علی‌رغم وجود شرط شکلی برای اعتبار موافقت‌نامه داوری، دیوان عالی فدرال سوییس در تصمیمی به تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳^{۴۱} عدم امضای شرط داوری توسط شخص ثالث را مانعی شکلی برای گسترش شرط داوری به او قلمداد نکرده و شرط کتبی بودن موافقت‌نامه داوری به موجب بند اول ماده ۱۷۸ قانون فدرال سوییس راجع به حقوق بین-

38. Swiss Inter-cantonal Concordat on Arbitration of August 27, 1969.

39. Switzerland's Federal Code on Private International Law of 18 December 1987, available at: <<http://www.umbricht.ch/pdf/SwissPIL.pdf>>, last visited on March 1, 2013.

۴۰. گفتنی است در بند اول ماده ۱۷۸ قانون فدرال سوییس راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی، برخلاف بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، «تبادل اسناد» به عنوان یکی از طرق اثبات انعقاد قرارداد داوری پذیرفته نشده است. ببینید:

Blessing, Marc, Introduction to Arbitration – Swiss and International Perspectives, Helbing & Lichtenhahn, 1999, p. 184, paras. 484-485; Poudret, et Besson, Droit comparé de l'arbitrage international, L.G.D.J., Paris, 2002, p. 163, para. 193.

41. Tribunal Fédéral (1^{re} Cour civ.), 16 Octobre 2003, Décision 4P.115/2003, X. S.A.L., Y. S.A.L. et A., Recourants, c/ Z. Sàrl, Intimée, ATF 129 III 727, ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004, pp. 364 et suiv., spéc. p. 387.

الملل خصوصی را تنها ناظر بر اشخاص اولیه و نه اشخاص غیرامضاکننده یا ثالث دانسته است. از نظر این دیوان، تعیین قلمرو شخصی شرط داوری صرفاً مسئله تفسیر یعنی ماهیت را برمی‌انگیزد که در پرونده مورد نظر باید به موجب قانون حاکم مشخص می‌گردید.^{۴۲}

حقوق‌دانان با انتقاد از این دیدگاه چنین تفسیری به معنای ایجاد وضعیتی خاص برای اشخاص ثالث است؛ حال آن‌که نظر قانون‌گذار سویسی این نبوده که اشخاص ثالث از امتیازی بیشتر از طرفین اولیه قرارداد برخوردار باشند، بلکه عمل آن‌ها باید ضمانت اجرای مشابهی داشته باشد. به همین دلیل، به نظر می‌رسد گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده هم منوط به رعایت شرط کتبی مقرر در بند اول ماده ۱۷۸ قانون یاد شده است و برای این منظور، رضایت آن‌ها به داوری از تحلیل اسناد و مدارک کتبی که قصد آن‌ها را به داوری نشان می‌دهد، احراز می‌گردد.^{۴۳}

تفاوت دوم نظام حقوقی سوییس با نظام حقوقی فرانسه در این است که در نظام حقوقی سوییس، برخلاف نظام حقوقی فرانسه، احراز قصد و اراده مؤثر تمام اشخاص مبنی

42. Habegger, Philipp, 'Extension of Arbitration Agreements to Non-Signatories and Requirements of Form – Case Note: Swiss Federal Tribunal Decision of 16 October 2003 in the matter X. S.A.L., Y. S.A.L., A. v. Z.Sàrl (4P.115/2003)', ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004, pp. 403-404.

43. Poudret, Jean-François, 'Un statut privilégié pour l'extension de l'arbitrage aux tiers? Note à l'arrêt du Tribunal Fédéral du 16 Octobre 2003 dans la Cause X.Y.A. c. Y., 4P.115/2003', ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004, p. 390; Poudret, and Besson, op. cit., p. 221, n. 258.

همچنین ببینید:

Final Award in ICC Case No. 10758, October 2000, ICC ICArb. Bull., Vol. 16, No. 2, Fall 2005, pp. 87-94, spec. pp. 91-93.

بر آن که اشخاص غیرامضاکننده نیز طرف قراردادِ داوری باشند، مبتنی بر مفهوم «گروه شرکت‌ها» و مشارکت اشخاص غیرامضاکننده در اجرای قراردادِ حاوی شرط داوری نیست؛ بلکه، بر اعمال قواعد حل تعارض یعنی اعمال مطلوب‌ترین قانون (موضوع بند دو ماده ۱۷۸ قانون فدرال سوییس راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی) ابتدا دارد. بنابراین، از آنجا که قوانین ملی در این خصوص نظر واحدی ندارند، پاسخ مسئله در نظام حقوقی سوییس تابع موضع قانون حاکم بر اعتبار ماهوی شرط داوری است.^{۴۴}

۳۲. با توجه به شرایط شکلی اعتبار موافقت‌نامه داوری در نظام حقوقی سوییس، شناسایی اشخاص غیرامضاکننده به عنوان اطراف پنهان قراردادِ داوری با استقبال چندانی مواجه نشده است. با وجود این، در رویه داوری و قضایی این نظام حقوقی هم در مخالفت و هم در موافقت با این موضوع آرای صادر شده است.

یک: رد دکترین گروه شرکت‌ها

۳۳. در تعدادی از آرای صادر شده در نظام حقوقی سوییس، دکترین «گروه شرکت‌ها» از سوی دیوان‌های داوری و دادگاه‌های این کشور مورد توجه قرار نگرفته است؛ به عبارتی این مراجع با گسترش قلمرو شخصی شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده مخالفت کرده‌اند. به عنوان نمونه، در پرونده «کارتیه»، دیوان‌عالی فدرال

44. Poudret, 'L'extension de la clause d'arbitrage: approches française et suisse', op. cit., pp. 912-913; Poudret, and Besson, op. cit., p. 222, n. 258.

سوییس مقرر داشت «سهامدار کنترل‌کننده و مدیر گروه نمی‌تواند شرکت‌های مختلف گروه را ملزم نماید، مگر آن‌که ثابت شود که به‌عنوان نماینده هر شرکت اقدام کرده و اختیار اقدام به نمایندگی از سوی آن‌ها را داشته است».^{۴۵}

۳۴. ملاحظه می‌شود دیوان عالی فدرال سوییس در این پرونده صرف‌نظر از فقدان امضا به‌عنوان مانع شکلی گسترش شرط داوری در آن زمان، وارد ماهیت شده و با استناد به تئوری «نمایندگی»، وجود مفهوم اقتصادی گروه را برای نادیده گرفتن شخصیت حقوقی مستقل هر یک از شرکت‌های عضو گروه کافی ندانسته است. به‌علاوه، مشخص می‌شود که از نظر این دیوان، صرف کنترل شرکت مادر یا سهامدار عمده بر گروه، به این شخص اختیار ملزم کردن شرکت‌های فرعی عضو گروه را نمی‌دهد.

۳۵. همچنین در پرونده شماره ۴۵۰۴^{۴۶} آی. سی. سی.، دیوان داوری در ژنو استدلال‌های خواهان را برای شناسایی شرکت خوانده دوم (عضو غیرامضاکننده گروه) به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری رد کرد و با توجه به استقلال حقوقی دو شرکت خوانده از یکدیگر، این واقعیت که اقدامات رئیس شرکت خوانده دوم به نمایندگی از جانب شرکت خوانده اول صورت گرفته بود و این که نقش شرکت خوانده دوم در برخی از مراحل قرارداد به اندازه کافی اساسی نبوده که رضایت او به قرارداد داوری احراز شود،

45. Decision of the Federal Supreme Court, 10 October 1979, Cartier, cited in: Poudret, and Besson, op. cit., p. 222.

46. Sentences intérimaire rendue dans l'affaire, n° 4504 en 1985 et 1986, J.D.I., Vol. 113, N° 4, 1986, pp. 1118 et suiv., spec. pp. 1120-1121; ICC Awards, Vol. II (1986-1990), pp. 279 et suiv., spéc. pp. 282-285.

خود را نسبت به آن شرکت صالح ندانست. دیوان داوری بر این باور بود که استقلال شخصیت حقوقی دو شرکت از یکدیگر و این که هر کدام از آن‌ها می‌توانند به‌طور جداگانه و مستقل متعهد شوند، مانع از آن است که تعهدات یکی از آن‌ها بر دیگری تأثیر داشته باشد.

۳۶. افزون بر آن، دیوان عالی فدرال سوئیس در رأی در سال ۱۹۹۶^{۴۷} از گسترش شرط داوری به شرکت مادری که در انعقاد و اجرای قرارداد نقش فعالی داشته، امتناع ورزید و بیان کرد که «صرف وجود گروهی از شرکت‌ها برای گسترش تعهدات شرکت فرعی به شرکت مادر کفایت نمی‌کند» و اگر شرکت دیگر عضو گروه به‌طور مستقل و معتبر به لحاظ شکلی به داوری ابراز رضایت نکرده باشد، گسترش تنها در شرایط بسیار خاصی که یک طرف با حسن نیت بر ظواهر ایجاد شده از سوی شخص غیرامضاکننده اتکا کرده باشد، پذیرفته می‌شود.^{۴۸}

دو: پذیرش دکترین گروه شرکت‌ها

۳۷. در اغلب آرای صادر شده در سوئیس با گسترش شرط داوری بر مبنای دکترین

47. Swiss Federal Supreme Court, 29 January 1996, Saudi Butec Ltd. et Al Fouzan Trading Ltd. v. Saudi Arabian Saipem Ltd. and Saipem S.p.A., cited in: Poudret, and Besson, op. cit., pp. 223-224, n. 258.

۴۸. برای مطالعه آرای بیشتر، ببینید: مرادی، فهیمه، گسترش قلمروی شخصی شرط داوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، استاد راهنما: آقای دکتر محمدعلی بهمنی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، صص ۳۴-۳۱.

«گروه شرکت‌ها» مخالفت شده است، با وجود این در رویه داوری و قضایی این کشور آرای موافقی نیز با این دکتربین به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، در رای شماره ۱۴۳۴ آ.ی. سی. سی.^{۴۹} دیوان داوری در ژنو با چشم‌پوشی از شرط شکلی مندرج در ماده ۶ «پیمان بین کانتونی سوییس راجع به داوری» که در آن زمان لازم‌الاجرا بود، شرط داوری را بر مبنای مفهوم اقتصادی «گروه شرکت‌ها» بر کل گروه الزام آور دانست.

در این پرونده، دو قرارداد بین شرکت دولتی کشور «ب» و شرکت‌های مختلفی از گروه «الف» و مدیر اصلی این گروه، آقای «الف» منعقد شده بود. دیوان داوری با توجه به تفسیر متعارف قرارداد، اراده مشترک اطراف قرارداد، روح حاکم بر عملیات، این واقعیت که قصد خواهان این بوده که با کل گروه معامله کند و در عمل هم چنین شده است و این که رویه انعقاد قرارداد با گروه شرکت‌ها نیز اراده واقعی طرفین را نشان می‌دهد، شرط داوری را نسبت به شرکت‌های فرعی غیرامضاکننده گروه الزام آور دانست. دیوان داوری در این پرونده اعلام کرد که در پروژه‌های صنعتی بین‌المللی که دولت یا شرکتی دولتی برای اجرای پروژه‌ای در کشور خود معمولاً با یک یا چند شرکت فرعی متعلق به گروهی از شرکت‌ها یا شرکت چندملیتی بزرگی قرارداد منعقد می‌کند، «در صورتی که در قرارداد، اجرای مناسب تعهدات تضمین شده باشد، طرف قرارداد برای مداخله در روابط داخلی سازمانی بین اعضای گروه نفعی ندارد و چنین قصدی هم ندارد ... و در این پرونده

49. Sentence rendue dans l'affaire, n° 1434 en 1975, J.D.I., Vol. 103, N° 4, 1976, pp. 978 et suiv.; For excerpts translated into English, see: ICC Awards, Vol. I (1974-1985), pp. 262 et seq.

خاص، تعیین شرکت‌های متفاوت از گروه برای اجرای قرارداد به روشنی نشان می‌دهد که از نظر تمام اطراف، تعیین شرکت از اهمیتی ثانویه برخوردار بوده است و در واقع، این روشی بوده که گروه برای اجرای تعهدات خود اختیار کرده است.^{۵۰}

۳۸. به علاوه، دیوان عالی فدرال سوییس در تصمیم خود در سال ۲۰۰۳^{۵۱} نیز نسبت به دکترین «گروه شرکت‌ها» تمایل نشان داده است. در این پرونده، دو شرکت لبنانی، پیمانکاری را در لبنان استخدام کرده بودند. پس از بروز اختلاف، پیمانکار رسیدگی داور را در آی. سی. سی. نه تنها علیه دو شرکت طرف قرارداد بلکه همچنین علیه سهامدار کنترل کننده آن دو که به طور مکرر در مذاکره، اجرا و خاتمه آن قرارداد مداخله کرده بود، آغاز نمود. دیوان داور به موجب قانون لبنان به عنوان قانون منتخب طرفین و ماده ۱۷(۲) قواعد داور آی. سی. سی.، صلاحیت خود را نسبت به تمام خواندگان تأیید کرد و با لحاظ عرف‌های تجارت بین‌الملل، موافقت‌نامه داور را به سهامدار غیرامضاکننده گسترش داد. دیوان عالی فدرال سوییس نیز با تأیید این رای، به طور ضمنی بر اعمال عرف‌های تجاری و قانون لبنان (که معترض به رای نتوانست اثبات کند که متفاوت از قانون فرانسه است) از سوی دیوان داور صحه گذاشت. این دیوان همچنین رعایت شرط کتبی بودن موافقت‌نامه داور را از سوی طرفین اولیه کافی دانست.

۳۹. این نظر در رای دیگری از دیوان عالی فدرال سوییس در ۵ دسامبر ۲۰۰۸ مورد

50. J.D.I., op. cit., pp. 979-980; ICC Awards, op. cit., p. 264.

51. Tribunal Fédéral (1^{re} Cour civ.), 16 Octobre 2003, X. S.A.L., Y. S.A.L. et A. c/ Z. Sàrl, ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004, pp. 364 et suiv., spéc. pp. 381-382 et 387-388.

تأیید قرار گرفته است.^{۵۲} در این پرونده، دو قرارداد- قرارداد فروش سهام شرکت و قرارداد استخدام خریدار سهام به عنوان مدیرعامل شرکت- حاوی شروط داوری مشابه، در یک تاریخ منعقد شده بودند. با طرح دعوای داوری از سوی شرکت علیه مدیرعامل بر مبنای شرط داوری مندرج در قرارداد استخدام، خوانده با اعتراض به صلاحیت، از دیوان بین‌المللی داوری آی. سی. سی.^{۵۳} درخواست کرد که درخصوص وجود علی‌الظاهر قرارداد داوری بررسی نماید^{۵۴} و در صورت تأیید آن، با گسترش شرط داوری به اشخاص

52. Swiss Federal Supreme Court, 5 December 2008, Decision 4A_376/2008, Fausto Mattiussi v. Klinkert Ltd. (The "Mattiussi" Case), ASA Bull., Vol. 27, No. 4, 2009, pp. 762 et seq.

53. ICC International Court of Arbitration, in French: La Cour internationale d'arbitrage de la CCI.

۵۴. گفتنی است به موجب ماده (۲) قواعد داوری ۱۹۹۸ آی. سی. سی.، در صورت اعتراض هر طرف به وجود، اعتبار یا قلمرو موافقت‌نامه داوری، این دیوان بین‌المللی داوری آی. سی. سی. است که به بررسی موضوع می‌پردازد و در صورتی که وجود قرارداد داوری را به صورت علی‌الظاهر احراز کند، ادامه جریان داوری را تجویز می‌نماید.

برای مطالعه بیشتر در این مورد، ببینید: محبی، محسن، "نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی"، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و چهارم، ۱۳۷۸، صص ۵۷-۵۹.

با این حال، گفته می‌شود با توجه به آن که این مقرر شرط شکلی خاصی را برای اعتبار موافقت‌نامه داوری پیش‌بینی نکرده، امکان گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده وجود دارد. اما، صرف‌ظاهر موافقت‌نامه داوری مبنای قانونی برای گسترش شرط داوری به اشخاص ثالث محسوب نمی‌شود و مدعی گسترش شرط داوری باید در برابر دیوان بین‌المللی داوری آی. سی. سی. ثابت کند که شرایط لازم برای گسترش شرط داوری وجود دارد. ببینید:

Derains, Yves, and Schwarz, Eric A., A Guide to the ICC Rules of Arbitration, Kluwer

غیرامضاکننده قرارداد استخدام موافقت کند. استدلال خوانده در مورد اخیر این بود که اشخاص یاد شده قرارداد فروش سهام را امضا کرده‌اند و این دو قرارداد کل واحدی را شکل می‌دهند. با رد گسترش شرط داوری از سوی دیوان بین‌المللی داوری در تاریخ ۴ اکتبر ۲۰۰۷ و نیز از سوی داور منفرد این پرونده در رای داوری صادر شده به تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸، خوانده نسبت به این تصمیم در دیوان عالی فدرال سوئیس اعتراض کرد.

دیوان عالی فدرال سوئیس، پس از بررسی و تحلیل دقیق نقش اشخاص درگیر، الفاظ دو قرارداد فروش و استخدام و کارکرد و ارتباط این دو قرارداد با یکدیگر اعلام کرد که تعهدات پیش‌بینی شده در قراردادها مجزا از یکدیگر نبوده و به‌طور متقابل با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.^{۵۵} این دیوان افزود که مداخله فشرده اشخاص غیرامضاکننده در مذاکره و تنظیم قرارداد استخدام و نقشی که برای خود در اجرای این قرارداد در نظر گرفته بودند، به‌خوبی دلالت بر آن دارد که آن‌ها با اعمال و رفتار خود می‌خواسته‌اند به

←

Law International, 2005, pp. 89-90.

خاطر نشان می‌سازد که تصمیم دیوان بین‌المللی داوری آی. سی. سی. در این خصوص قطعی نبوده و مانع از آن نیست که دیوان داوری بر مبنای قاعده «صلاحیت نسبت به صلاحیت» (The Principle of Competence-Competence) در مورد صلاحیت خود اتخاذ تصمیم نماید. ببینید:

Craig, William Laurence, Park, William W., and Paulsson, Jan, Craig, Park & Paulsson's Annotated Guide to the 1998 ICC Arbitration Rules: with Commentary, Oceana Publications, Inc., 1998, p. 59.

در مورد تغییراتی که در بند ۲ ماده ۶ قواعد داوری ۱۹۹۸ آی. سی. سی. ایجاد شده است، ببینید: بند ۳ ماده ۶ قواعد داوری ۲۰۱۲ آی. سی. سی.

55. The "Mattiussi" Case, op. cit., paras. 8.5-8.5.2.

شرط داوری مندرج در این قرارداد که کاملاً مشابه با شرط داوری مندرج در قرارداد فروش می‌باشد، ملزم باشند.^{۵۶} در نتیجه، دیوان عالی فدرال سوییس با گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده بر مبنای مداخله فشرده آن‌ها در مذاکره و نقش آن‌ها در اجرای قرارداد استخدام موافقت کرد.

۴۰. نکته قابل توجه این است که این تصمیم یکی از جدیدترین مواردی است که مرجع عالی قضایی سوییس در آن، اشخاص غیرامضاکننده را بر مبنای مشارکت یا مداخله مؤثر در مذاکره و اجرای قرارداد حاوی شرط داوری به عنوان طرف پنهان قرارداد داوری مورد شناسایی قرار داده است. این موضوع بدان معناست که اگرچه در نظام حقوقی سوییس، برخلاف نظام حقوقی فرانسه، دکترین «گروه شرکت‌ها» پذیرفته نشده است، اما به نقش مؤثر اشخاص غیرامضاکننده در مراحل مذاکره، انعقاد یا اجرای قرارداد حاوی شرط داوری و احراز رضایت به داوری از رفتار و عملکرد این اشخاص توجه می‌شود.

ج - نظام حقوقی ایران

۴۱. در نظام حقوقی ایران، اگرچه از ماده ۶۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ چنین استنباط می‌شد که قرارداد داوری باید کتبی باشد،^{۵۷} در باب هفتم قانون آیین

56. Ibid., para. 8.6.

۵۷. ماده ۶۳۴- «در قرارداد داوری باید نکات زیر ذکر شود: ۱. مشخصات طرفین و داورها از نام و نام خانوادگی و غیره به طوری که رافع اشتباه باشد. ۲. موضوع اختلاف که باید به طرفین قطع شود».

دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که امروزه به داوری‌های داخلی اختصاص یافته، هیچ اشاره‌ای به شرط کتبی بودن موافقت‌نامه داوری نشده است. در نتیجه، در داوری‌های داخلی، ارجاع اختلاف به داوری با توافق شفاهی طرفین پذیرفته شده است؛ امری که مطابق با اصل رضایی بودن عقود و معاملات در حقوق ایران است.

۴۲. در داوری‌های بین‌المللی که در ایران برگزار می‌شوند و یا قانون ایران به‌عنوان قانون حاکم بر رسیدگی داوری تعیین شده است، ماده ۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ در این خصوص حاکمیت دارد. این مقرر چنین اشعار می‌دارد:

«موافقت‌نامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله‌نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آن‌ها بر وجود موافقت‌نامه مزبور دلالت نماید یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول نماید. ارجاع به سندی در قرارداد کتبی که متضمن شرط داوری باشد نیز به منزله موافقت‌نامه مستقل داوری خواهد بود».

۴۳. از آنجا که این قانون از قانون نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد راجع به داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۹۸۵ (قانون نمونه آنسیترال) اقتباس شده است، ملاحظه می‌شود محتوای این ماده شباهت بسیاری با ماده هفت قانون نمونه آنسیترال دارد. البته به نظر می‌رسد تغییراتی که قانون‌گذار ایرانی در هنگام اقتباس از ماده یاد شده در آن ایجاد کرده، موجب نارسایی و ابهام ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی گردیده است؛ چراکه به روشنی مشخص نیست آیا به‌موجب این ماده

موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد یا کتبی بودن، شرط اعتبار موافقت‌نامه داوری نیست و این کفایت می‌کند که وجود توافق بر داری به وسیله اسناد کتبی اثبات گردد.

۴۴. ممکن است گفته شود^{۵۸} با توجه به صدر ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی استناد به موافقت‌نامه داوری شفاهی غیرممکن شده و استثنای این قاعده عبارتی است که در ادامه و ذیل این مقرر آمده است. اما، در صدر بند دو ماده هفت قانون نمونه آنسیترال (نسخه ۱۹۸۵) به صراحت مشخص شده که موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد و سپس برای تسهیل حصول چنین شرطی مصادیق متعددی برای قرارداد داوری کتبی شناسایی شده است؛ ولی در قانون داوری تجاری بین‌المللی این تصریح حذف گردیده و قانون‌گذار ایرانی ادامه مقرر یاد شده را در ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی وارد کرده است؛ امری که این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا قصد قانون‌گذار ایرانی از عدم ذکر شرط تصریح شده در صدر بند دو ماده هفت قانون نمونه آنسیترال در ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی این بوده که به نوعی توافقی‌های داوری شفاهی را نیز به رسمیت بشناسد و اقتباس ادامه مقرر اشاره شده صرفاً به منزله تعیین راه‌های اثبات وجود

۵۸. سیفی، سیدجمال، «قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسیترال»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، ص ۵۱؛ همچنین ببینید: جنیدی، لعلی، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

موافقت‌نامه داوری بوده است.^{۵۹}

۴۵. افزون بر آن، عبارت‌پردازی ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز چندان گویا نیست. از یک طرف، قانون‌گذار در صدر ماده در عبارت «موافقت‌نامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد» از واژه «باید» که حاکی از آمره بودن حکم پیش‌بینی شده می‌باشد، استفاده کرده است؛ با در نظر گرفتن مجرد این عبارت چنین برداشت می‌شود که نه تنها موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد، بلکه باید به امضای طرفین نیز رسیده باشد. از طرف دیگر، قانون‌گذار بلافاصله بیان می‌کند که «یا مبادله‌نامه، تلکس، تلگرام، یا نظایر آن‌ها بر وجود موافقت‌نامه مزبور دلالت نماید یا ...»؛ گویی قانون‌گذار ایرانی به ناگاه در عبارت دوم از شرط شکلی مهمی که برای اعتبار موافقت‌نامه داوری مقرر نموده بود، عدول کرده و اهمیت چنین شرطی را نه به عنوان شرط صحت، بلکه در حد طریق اثبات وجود موافقت‌نامه داوری دانسته است. تأثیر کاربرد حرف «یا» بین عبارت اول و عبارت دوم از سوی قانون‌گذار در تفسیر حکم عبارت اول انکارنکردنی است و از قرائت این دو عبارت در کنار یکدیگر و توجه به ادامه این ماده چنین استنباط می‌شود که نه تنها بین عبارت اول و دوم رابطه اصل و استثنا برقرار نیست، بلکه ملاک در نظر قانون‌گذار ایرانی اثبات وجود موافقت‌نامه داوری بوده است که این امر از طریق سندی کتبی با امضای طرفین و یا به وسیله سایر اسناد کتبی دست‌یافتنی است.

۵۹. به نظر می‌رسد حصری یا تمثیلی بودن موارد بیان شده در ماده هفت قانون داوری تجاری بین‌المللی از دیگر نکات مورد ابهام در این مقرر است.

۴۶. به علاوه، از یک طرف، هدف قانون‌گذار ایرانی از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی یعنی تسهیل پذیرش داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و تدوین مقرراتی هم‌سو با مقررات نوین داوری تجاری بین‌المللی به منظور ایجاد محیط حقوقی امن برای جلب توجه و اعتماد بازرگانان و سرمایه‌گذاران خارجی و از طرف دیگر، گرایش عمومی دنیای تجارت بین‌الملل مبنی بر تسهیل و تسریع داوری تجاری بین‌المللی با حذف تشریفات شکلی اعتبار موافقت‌نامه داوری،^{۶۰} ارائه چنین تفسیری را ایجاب می‌کند که در حقوق ایران، کتبی بودن شرط تحقق یا اعتبار قرارداد داوری بین‌المللی نیست و این کفایت می‌کند که وجود توافق بر داوری با اسناد کتبی اثبات گردد.

۴۷. در صورت پذیرش تفسیر یاد شده، باید دید که نظام حقوقی ایران چه رویکردی نسبت به شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه شرکت‌ها دارد.

۴۸. در نظام حقوقی ایران، دسترسی به رویه داوری و قضایی در این خصوص چندان

۶۰. به عنوان نمونه، در این مورد می‌توان به اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۶ در ماده هفت قانون نمونه آنسیترال به عمل آمده و توصیه‌نامه مورخ هفت جولای ۲۰۰۶ این کمیسیون به کشورها در مورد تفسیر بند دو ماده دو و بند یک ماده هفت کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ توجه کرد. قابل توجه است نویسندگان حقوقی بر این باورند که رویکرد آزادمنشانه و نوین اتخاذ شده در اصلاحیه ۲۰۰۶ ماده هفت قانون نمونه آنسیترال که هر دو گزینه پیشنهاد شده در آن، موافقت‌نامه داوری شفاهی و ضمنی را تجویز می‌کند، موید این امر است که شرط «کتبی بودن موافقت‌نامه داوری» در کنوانسیون نیویورک دیگر مناسب مبادلات تجاری امروزی نیست. ببینید:

Born, Gary B., *International Commercial Arbitration*, Vol. I, Kluwer Law International, The Netherlands, 2009, pp. 605-607.

میسر نیست و به همین دلیل، نمی‌توان به‌طور قاطع در مورد برخورد رویه با این موضوع نظر داد. با این حال، در پرونده کلاسه شماره ۲۹۷/۲۷/۸۵ در شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران - مجتمع قضایی شهید بهشتی، دادگاه در دادنامه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۷ به تئوری «گروه شرکت‌ها» اشاره کرده است.

در این پرونده، قرارداد اصلی بین شرکت بازرگانی پتروشیمی بین‌الملل (از توابع شرکت ملی نفت ایران) و شرکت بازرگانی پاسارگاز ترکمنستان (شرکت فرعی با تابعیت ترکمنستان)، و موافقت‌نامه داوری بین شرکت بازرگانی پتروشیمی بین‌الملل و شرکت بازرگانی پاسارگاز نوین (شرکت مادر ایرانی) منعقد شده بود. پیرو بروز اختلاف و صدور رای داوری، شرکت بازرگانی پتروشیمی بین‌الملل به طرفیت شرکت بازرگانی پاسارگاز نوین دعوایی را طرح و از دادگاه یاد شده ابطال رای داوری را درخواست کرد. از آنجا که دلایل ابراز شده در پرونده مثبت نمایندگی شرکت پاسارگاز نوین از جانب شرکت پاسارگاز ترکمنستان در انعقاد موافقت‌نامه داوری بود و محکوم‌له واقعی رای داوری، شرکت اصیل یعنی شرکت پاسارگاز ترکمنستان به شمار می‌آمد، دادگاه در این دعوا با بیان استدلال زیر با استناد به مواد ۲ و ۴۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ قرار رد دعوای خواهان را صادر کرد:

«... دادگاه اصلاً وارد بحث تابعیت شرکت خواهان و دولتی یا خصوصی بودن آن و قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری و قانون حاکم بر داوری و تئوری گروه شرکت‌ها و قراردادهای تسری داوری به سایر اشخاص نشده و توجه دارد که پاسارگاز نوین نماینده شرکت پاسارگاز ترکمنستان است و اساساً شرکت پاسارگاز نوین محکوم‌له رای داوری

نیست و نمایندگان اعمالی که در مقام نمایندگی و در حدود اختیارات خود انجام می‌دهند از حیث تعهدات و آثار حاصله به کسی برمی‌گردد که از وی نمایندگی داشته‌اند. در نتیجه طرح دعوی ابطال رای داوری به طرفیت شرکت پاسارگاز نوین و با فرض ابطال آن منافات با اصل تناظر در دادرسی مدنی و حقوق دفاعی شرکت پاسارگاز ترکمنستان دارد. ...» (تأکید از نویسنده است).

۴۹. ملاحظه می‌شود در این پرونده از آنجا که موافقت‌نامه داوری به نمایندگی منعقد شده بود و در نتیجه تنها اصیل یعنی شرکت پاسارگاز ترکمنستان طرف آن تلقی می‌گردد، فضایی برای بررسی اعمال دکترین «گروه شرکت‌ها» به منظور گسترش موافقت‌نامه داوری امضا شده از سوی شرکت مادر به شرکت فرعی آن ایجاد نشده است. بر این اساس، پاسخ این پرسش را باید در مبانی حقوقی ایران یافت.

۵۰. در صورتی که قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری قانون ایران باشد، با پذیرش رضایی بودن قرارداد داوری، به نظر می‌رسد شناسایی اشخاص غیرامضاکننده در گروه شرکت‌ها به عنوان اطراف پنهان قرارداد داوری صرفاً تابع تفسیر اراده واقعی مشترک یا متقابل طرفین باشد؛ به‌ویژه که در حقوق ایران در فرض تعارض اراده ظاهری و اراده باطنی، اصل بر تقدم و حکومت اراده باطنی است.^{۶۱}

۵۱. بنابراین، اگر دیوان داوری تشکیل شده در ایران یا دادگاه ملی ایرانی پس از

۶۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲، شماره ۱۳۲.

بررسی اسناد قراردادی، مکاتبات طرفین، روح حاکم بر معامله، رفتار یا اعمال و به‌طور خاص نقش اشخاص غیرامضاکننده قرارداد حاوی شرط داوری در مذاکره، انعقاد یا اجرای قرارداد یاد شده و کلیه شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر روابط معاملاتی اشخاص درگیر، رضایت اشخاص غیرامضاکننده را به داوری احراز کند و به این نتیجه برسد که طرف دیگر از ابتدا اشخاص غیرامضاکننده را نیز طرف معامله خود می‌دانسته است؛ با توجه به آن که در نظام حقوقی ایران با استناد به ماده ۱۹۳ و با استفاده از مواد ۲۴۸، ۲۵۱ و ذیل ماده ۳۳۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ ابراز قصد و اراده درونی با فعل نیز معتبر می‌باشد، به نظر می‌رسد می‌توان اشخاص غیرامضاکننده از گروه شرکت‌ها را بر مبنای رضایت ضمنی، اطراف واقعی قرارداد حاوی شرط داوری تلقی کرد و به آن‌ها اجازه استناد به شرط داوری را داد و یا آن‌ها را ملزم به داوری شناخت.

بند دوم - نظام کامن‌لا

۵۲. در این قسمت، موضع نظام حقوقی ایالات متحده (الف) و نظام حقوقی انگلستان (ب) به‌عنوان نمونه‌های بارز نظام کامن‌لا نسبت به شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در «گروه شرکت‌ها» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - نظام حقوقی ایالات متحده

۵۳. با وجود آن که ماده دو قانون داوری فدرال ایالات متحده آمریکا مقرر می‌دارد

که موافقت‌نامه داوری باید کتبی باشد،^{۶۲} دیوان‌عالی این کشور اعلام کرده که نباید به موجب این ماده شرط داوری را متفاوت از دیگر روابط قراردادی تفسیر کرد.^{۶۳} بنابراین، در این نظام حقوقی نبود موافقت‌نامه داوری کتبی مانعی بر سر داوری نیست و در برخی از موارد، دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی با تفسیر موسع ماده دو قانون داوری فدرال بر مبنای «اصول عمومی حقوق قراردادها و نمایندگی»^{۶۴} و به طور خاص، تئوری‌های مختلفی چون «نمایندگی»،^{۶۵} «درج از طریق ارجاع»،^{۶۶} «التزام ناشی از رفتار»،^{۶۷} «استاپل مبتنی بر انصاف»،^{۶۸} «تعهد به سود ثالث»^{۶۹} و «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» یا «اصیل

62. Federal Arbitration Act of 1947, 9 U.S.C. § 2, available at: <<http://www.adr.org/sp.asp?id=29568>>, last visited on May 11, 2013.

63. Doctor's Associates, Inc., et al. v. Casarotto et ux., No. 95-559, 517 U.S. 681, 687 (1996), available at: <www.google.com>, key words: "Doctor's Associates, Inc., et al. v. Casarotto et ux. 1996", last visited on May 13, 2013.

64. Common Principles of Contract and Agency Law.

65. Agency.

66. Incorporation by Reference.

67. Assumption by Conduct.

به موجب این تئوری، شخص غیرامضاکننده‌ای که با رفتار خود به طور ضمنی ملتزم به داوری شده و طرف مقابل هم بر عمل او اتکا کرده، نمی‌تواند متعاقباً ادعا کند که شرط داوری بی اعتبار است. ببینید:

Bamforth, Richard, and Maidment, Katerina, "All Join in" or Not? How Well Does International Arbitration Cater for Disputes Involving Multiple Parties or Related Claims?, ASA Bull., Vol. 27, No. 1, 2009, p. 10; Courtney, op. cit., p. 586.

برخی معتقدند این تئوری همان قاعده «استاپل» است. ببینید:

Hosking, James M., 'The Third Party Non-Signatory's Ability to Compel International Commercial Arbitration: Doing Justice Without Destroying Consent', Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, Vol. 4, No. 3, 2004, pp. 482 and 499.

68. Equitable Estoppel.

69. Third Party Beneficiary.

واقعی»^{۷۰} به اشخاص غیرامضاکننده اجازه استناد به شرط داوری را می‌دهند و یا آن‌ها را ملزم به داوری قلمداد می‌کنند.^{۷۱}

۵۴. با این حال، دیوان‌های داوری و دادگاه‌ها بدون احراز دست‌کم رضایت ضمنی شخص غیرامضاکننده، از گسترش شرط داوری به او امتناع می‌ورزند. به‌عنوان نمونه، در پرونده معروف «کاپلان»^{۷۲} دادگاه، رئیس و سهامدار منحصر شرکت طرف قرارداد را ملزم به داوری ندانست؛ با این استدلال که این شخص با امضای قرارداد و ام از جانب شرکت هرگز قصد ملزم شدن به شرط داوری مندرج در آن را نداشته است. این تصمیم شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید دیوان عالی کشور نیز قرار گرفت و این دیوان بیان کرد که داوری شیوه‌ای قراردادی برای حل اختلافات طرفین است؛ اما، آن دسته از اختلافاتی که طرفین توافق کرده‌اند به داوری ارجاع دهند.^{۷۳}

۵۵. با وجود این، در رای داوری که تحت نظارت «جامعه داوران حقوق دریایی نیویورک» صادر شده است، دیوان داوری به اتفاق بیان کرد که «هیچ مبنای منطقی برای انکار حق شرکت‌های فرعی مستأجر مبنی بر طرح دعوا در رسیدگی داوری وجود ندارد.

70. Piercing the Corporate Veil/Alter Ego.

71. Hosking, James M., 'Non-Signatories and International Arbitration in the United States: the Quest for Consent', Arbitration International, Vol. 20, No. 3, 2004, p. 291; Poudret, and Besson, op. cit., p. 226, n. 263; Wilske, and Others, op. cit., p. 82.

72. Kaplan v. First Options of Chicago, Inc., 19 F.3d 1503 (3d Cir. 1994), available at: <www.google.com>, key words: "Kaplan v. First Options of Chicago, Inc. 1994", last visited on May 14, 2013.

73. First Options of Chicago, Inc. v. Kaplan, 514 U.S. 938 (1995), available at: <www.google.com>, key words: "First Options of Chicago, Inc. v. Kaplan 1995", last visited on May 14, 2013.

... استشنا کردن دعاوی شرکت‌هایی که در معامله نفع دارند و اعضای خانواده‌ای از شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند، معقول و عملی نیست». ضمن آن‌که هر دو طرف علم داشته‌اند که اجرای قراردادهای حمل‌ونقل دریایی توسط شرکت‌های کشتیرانی مرتبط با یکدیگر و اعضای گروه صورت می‌پذیرد.^{۷۴} به این ترتیب، دیوان داوری در این پرونده با احراز آگاهی و رضایت ضمنی طرفین بدون آن‌که استناد به تئوری چون دکتربین «گروه شرکت‌ها» را لازم بداند، شرکت‌های فرعی غیرامضاکننده را طرف پنهان قرارداد داوری شناخت.

۵۶. قابل ذکر است که در آرای دیگر نیز با استناد به تئوری‌های حقوقی اشاره شده، شرط داوری نسبت به اشخاص غیرامضاکننده گسترش یافته است؛^{۷۵} اما، رای دادگاه

74. Society of Maritime Arbitrators, Partial Final Award No. 1510, 28 November 1980, Map Tankers, Inc. (Owner) v. MOBIL Tankers, Ltd. (Charterer), Y.C.A., Vol. VII, 1982, pp. 151 et seq., at: p. 153.

۷۵. به‌عنوان نمونه، درخصوص آرای که در آن‌ها با گسترش قلمرو شخصی شرط داوری موافقت شده است، ببینید:

United States District Court, Southern District of New York, 30 July 2001, Thixomat, Inc. (US) v. Takata Physics International Co., Ltd. (Japan), Y.C.A., Vol. XXVII, 2002, pp. 685 et seq.; United States District Court, District of Connecticut, 11 December 2001, Signature Marketing Pty. Ltd. and Jayfield Pty. Ltd. (Australia) v. Slim Print International LLC (US) et al., Y.C.A., Vol. XXVII, 2002, pp. 839 et seq., spec. pp. 841-842 and 845-846.

اما، در پرونده دیگری که دادگاه رضایت شرکت مادر را به داوری احراز نکرد، با گسترش شرط داوری به او مخالفت نمود. ببینید:

Deutz AG (Germany) v. General Electric Company (US), (3rd Cir. 2001), Y.C.A., Vol. XXVII, 2002, pp. 795 et seq.

آمریکایی در پرونده «سرهنگ»^{۷۶} در سال ۲۰۰۵ به روشنی موضع نظام حقوقی این کشور را در خصوص دکترین «گروه شرکت‌ها» آشکار می‌سازد.

در این پرونده، «سرهنگ گروپ» (شرکتی مصری) در سال ۱۹۹۱ قراردادی را با شرکت «اراکل سیستمز»، شرکت فرعی متعلق به شرکت نرم‌افزار آمریکایی «اراکل کورپوریشن» منعقد کرد که به موجب آن، قرار بود «سرهنگ گروپ» محصولات و خدمات طرف دیگر قرارداد را در مصر ارائه کند. این قرارداد حاوی شرط داوری تحت نظارت مرکز منطقه‌ای داوری تجاری بین‌المللی قاهره بود و در آن قانون مصر به عنوان قانون حاکم تعیین شده بود. با بروز اختلاف میان طرفین، شرکت «اراکل سیستمز» قرارداد را فسخ نمود و در نتیجه، شرکت «سرهنگ گروپ» علیه او و شرکت مادر آمریکایی دعوای داوری را آغاز کرد. شرکت مادر بر مبنای این که قرارداد حاوی شرط داوری را امضا نکرده بود، نسبت به صلاحیت دیوان داوری اعتراض نمود. اما، دیوان داوری در مصر با استناد آشکار به دکترین فرانسوی «گروه شرکت‌ها» صلاحیت خود را نسبت به هر دو شرکت مادر و شرکت فرعی به رسمیت شناخت.^{۷۷}

۵۷. پس از صدور رای داوری، شرکت مادر گروه «اراکل» در دادگاه‌های مصر ابطال رای داوری را درخواست کرد که در نتیجه آن، رای یاد شده از سوی دادگاه تجدیدنظر و

76. Sarhank Group v. Oracle Corporation, 404 F.3d 657, 658-659 (2nd Cir. 2005) (The "Sarhank" Case), available at: <www.google.com>, key words: "Sarhank Group v. Oracle Corporation 2005", last visited on May 15, 2013.

77. Ibid., p. 662.

دیوان عالی کشور مصر مورد تأیید قرار گرفت. در مقابل، محکوم‌له یعنی شرکت «سرهنگ گروپ» از دادگاه بخش جنوبی نیویورک شناسایی و اجرای رای داوری را درخواست نمود. این دادگاه با استناد به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ با این درخواست موافقت کرد.^{۷۸}

۵۸. با تجدیدنظرخواهی شرکت آمریکایی «اراکل»، شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر بر مبنای قسمت «الف» از بند دو ماده پنج کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ دستور اجرا را ابطال نمود و پرونده را دوباره به همان دادگاه ارجاع داد تا بررسی کند که آیا اساساً موافقت‌نامه داوری بین طرفین وجود داشته و شخص غیرامضاکننده رضایت خود را به داوری ابراز کرده است یا خیر. برخلاف دیوان داوری که قانون مصر را اعمال کرده بود، شعبه دوم معتقد بود که مسئله صلاحیت به نوعی به قابلیت ارجاع موضوع به داوری (موضوع قسمت «الف» از بند دوم ماده پنج کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸) مربوط می‌شود و در نتیجه، اعتبار موافقت‌نامه داوری باید به موجب قانون ایالات متحده تعیین گردد. به این ترتیب، دادگاه بخش در بررسی مجدد خود باید مشخص می‌کرد که آیا به موجب قانون داوری فدرال ایالات متحده و بر اساس اصول حقوق قراردادهای نمایندگی، شرکت مادر غیرامضاکننده ملزم به داوری است؟ این دادگاه به روشنی اظهار داشت که بررسی رویه موجود نشان می‌دهد که «غیرامضاکنندگان در موارد محدودی به استناد تئوری‌هایی چون درج از طریق ارجاع، التزام، خرق حجاب یا اصیل واقعی و استاپل ملزم به موافقت‌نامه داوری دیگران

78. Ibid., p. 659.

هستند».^{۷۹}

شعبه دوم همچنین با تأکید بر شخصیت حقوقی مستقل شرکت «اراکل» چنین استدلال کرد:

«دلیل اصلی این که شرکت‌ها [ی مادر]، شرکت‌های فرعی خارجی را ایجاد می‌کنند که کاملاً تحت تملک آن‌ها هستند، این است که خود را از مسئولیت قهری و قراردادی شرکت فرعی و از صلاحیت دادگاه‌های خارجی رها سازند [و این که] رویه معامله از طریق شرکت فرعی کاملاً ضروری و متناسب با رفتار تجارت خارجی ما است».^{۸۰}

۵۹. با مطالعه رویه داوری و قضایی ایالات متحده می‌توان گفت علی‌رغم نبود هماهنگی در آرای مختلف، قدر متیقن چنین استنباط می‌شود که شناسایی اشخاص غیرامضاکننده به عنوان طرف پنهان قرارداد داوری در این نظام حقوقی کاملاً به تفسیر اراده‌های طرفین و حداقل احراز وجود رضایت ضمنی تمام اطراف مبنی بر آن که اشخاص غیرامضاکننده نیز طرف داوری باشند، بستگی دارد. این رضایت ضمنی با بررسی اسناد مربوط به مرحله مذاکره و چانه‌زنی بین طرفین و یا مراحل انعقاد یا اجرای قرارداد با لحاظ کلیه شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر پرونده استنباط می‌شود. در چنین مواردی پذیرش گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده با استناد به «اصول عمومی حقوق قراردادهای و نمایندگی» صورت می‌پذیرد. تئوری‌هایی مانند درج از طریق ارجاع، التزام

79. Ibid., pp. 661-663.

80. Ibid., p. 662.

ناشی از رفتار، خرق حجاب یا اصرار واقعی و استاپل مبتنی بر انصاف که در رویه داوری و قضایی این کشور شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، مبنای گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده قرار می‌گیرند. اما، دکترین «گروه شرکت‌ها» در میان تئوری‌های یاد شده جایگاهی نداشته و در این نظام حقوقی مورد استقبال قرار نگرفته است.

ب- نظام حقوقی انگلستان

۶۰. در حقوق انگلستان، دادگاه‌ها همواره بر ماهیت قراردادی داوری تأکید داشته‌اند.^{۸۱} همچنین با وجود آن‌که در برخی از آرای داوری تبعیت از خط‌مشی مشابه با نظام‌های حقوقی‌ای به چشم می‌خورد که گسترش شرط داوری به اشخاص غیرامضاکننده را مورد پذیرش قرار داده‌اند، دیوان‌های داوری تشکیل شده در این کشور به‌طور کلی در پذیرش قواعد بازرگانی فراملی و به‌طور خاص دکترین «گروه شرکت‌ها» با احتیاط زیادی برخورد کرده‌اند.

۶۱. اگرچه در این نظام حقوقی به‌موجب ماده پنج قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ (قانون داوری ۱۹۹۶) کتبی بودن، شرط شکلی اعتبار موافقت‌نامه داوری است، در بند دو ماده ۸۲ این قانون چنین مقرر شده که «طرف موافقت‌نامه داوری در این بخش شامل شخصی هم می‌شود که از طریق یا از رهگذار طرف موافقت‌نامه داوری ادعا می‌کند». بر این اساس، این ماده سازوکاری را پیش‌بینی کرده که به‌موجب آن، شخص غیرامضاکننده

81. Poudret, and Besson, op. cit., p. 225, n. 262.

موافقت‌نامه داوری که ادعا دارد طرف آن است، بتواند به دلیل ارتباط با طرف موافقت‌نامه داوری (از طریق یا از رهگذار آن) برای کمک به رسیدگی داوری، از دادگاه توقف رسیدگی قضایی را درخواست نماید. این شیوه استناد به موافقت‌نامه داوری، سازوکار «از طریق یا از رهگذار»^{۸۲} نامیده می‌شود.^{۸۳}

۶۲. به‌طور خاص، رویکرد اصلی رویه داوری و قضایی این نظام حقوقی در پرونده معروف «پترسون فارمز»^{۸۴} نمایان می‌گردد. در این پرونده، «شرکت پترسون فارمز» (شرکت «پترسون») که به‌موجب قانون ایالت آرکانزاس در ایالات متحده تشکیل شده بود، طی قرارداد فروشی به تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۹۶، تعدادی مرغ زنده را به شرکتی هندی با نام شرکت «سی. آند. ام. فارمینگ» (شرکت «سی. آند. ام.») فروخت. شرکت «سی. آند. ام.» با استفاده از پرنده‌گان خریداری شده در عملیات جفت‌گیری به پرورش جوجه و تولید تخم-مرغ پرداخت و مالکیت آن‌ها را به شرکت‌های گروه «سی. آند. ام.» (۶۰ درصد) و دیگر خریداران (۴۰ درصد) انتقال داد. ماده ۱۷ قرارداد یاد شده، حل اختلافات ناشی از قرارداد و مربوط به آن را به دیوان داوری آی. سی. سی. در لندن ارجاع داده و ماده ۱۹ آن، قانون حاکم را قانون ایالت آرکانزاس تعیین کرده بود.

از آنجا که مرغ‌ها آلوده به ویروس بودند، شرکت «سی. آند. ام.» علیه شرکت

82. "Under or Through" Mechanism.

83. Hosking, 'The Third Party Non-Signatory's Ability to Compel International Commercial Arbitration: Doing Justice Without Destroying Consent', op. cit., p. 547.

84. High Court of Justice, 4 February 2004, Peterson Farms, Inc. v. C & M Farming Ltd. (The "Peterson Farms" Case), ArbLR, Vol. 50, 2004, pp. 573 et seq.

«پترسون» دعوای داورى را آغاز کرد و از دیوان داورى محکومیت خوانده را به پرداخت کلیه خساراتی که به خود او و سایر شرکت‌های گروه «سی. آند ام.» وارد شده بود، درخواست نمود.^{۸۵} دیوان داورى در تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۰۳ شرکت «پترسون» را به پرداخت خسارت به نفع خواهان و دیگر شرکت‌های گروه «سی. آند ام.» محکوم کرد.^{۸۶}

۶۳. علی‌رغم اعتراض شرکت «پترسون» به صلاحیت دیوان داورى نسبت به سایر شرکت‌های گروه «سی. آند ام.»، دیوان داورى با بررسی مذاکرات طرفین قبل از انعقاد قرارداد، دریافت که شرکت «پترسون» در زمان انعقاد قرارداد می‌دانسته که با کل گروه قرارداد منعقد می‌کند و در برابر تمام اعضای آن متعهد می‌شود. دیوان بیان کرد که از آنجا که گروه دارای شخصیت حقوقی نیست، انعقاد قرارداد با نام گروه ممکن نبوده و در نتیجه قرارداد می‌بایست به نام یکی از شرکت‌ها منعقد می‌گردید. به این ترتیب، شرکت «سی. آند ام.» به نمایندگی از کل گروه اقدام کرده و شرکت «پترسون» نیز از این امر آگاه بوده است.^{۸۷}

دیوان داورى همچنین به دکترین «گروه شرکت‌ها» در پرونده «داو کمیکال» و پرونده‌های شماره ۲۳۷۵ و ۵۱۰۳ آی. سی. سی. اشاره کرد و اعلام داشت این پرونده شرایط مشابهی با پرونده‌های یاد شده دارد.^{۸۸} در نهایت، دیوان داورى با احراز قصد خوانده

85. Ibid., pp. 574-575.

86. Ibid., p. 575.

87. Ibid., pp. 580-581.

88. Ibid., p. 581.

مبنی بر معامله با کل گروه بر دو مبنای دکترین «گروه شرکت‌ها» و «نماینده‌گی»، صلاحیت خود را نسبت به شرکت‌های غیرامضاکننده در گروه خواهان تأیید کرد.^{۸۹}

۶۴. پس از صدور رای داوری، شرکت «پترسون» به موجب ماده ۶۷ قانون داوری ۱۹۹۶ از دادگاه شهرستان ابطال رای داوری را نسبت به محکوم‌لهم غیرامضاکننده قرارداد حاوی شرط داوری درخواست نمود.

دادگاه با استناد به رویه موجود، دعوای اعتراض بر مبنای ماده ۶۷ قانون داوری ۱۹۹۶ را مستلزم استماع مجدد و ورود به ماهیت دعوا دانست.^{۹۰} بر این اساس، قاضی «لانگلی» ضمن ایراد انتقادهایی اساسی به رای داوری اعلام کرد که برخلاف نظر دیوان داوری، مسئله صلاحیت تابع تفسیر قرارداد است که این موارد به موجب ماده ۱۹ قرارداد به صراحت موضوع قانون آرکانزاس قرار گرفته‌اند و اصل استقلال شرط داوری در این خصوص ورودی ندارد. به این ترتیب، قاضی پرونده با اعلام این که تعیین اطراف قرارداد تابع قانون ماهوی است و نه قانون شکلی،^{۹۱} چنین اظهار داشت:

«حقوق انگلستان مسئله [صلاحیت] را تابع قانون مناسب منتخب قرارداد می‌داند و [این قانون]، دکترین [گروه شرکت‌ها] را که هیچ بخشی از حقوق انگلستان را شکل نمی‌دهد، استثنا می‌کند».^{۹۲}

89. Woolhouse, Sarita Patil, 'Group of Companies Doctrine and English Arbitration Law', Arbitration International, Vol. 20, No. 4, 2003, p. 436.

90. The "Peterson Farms" Case, op. cit., pp. 576-577.

91. Ibid., p. 581.

92. Ibid., p. 584.

قاضی «لانگلی» به یافته دیوان داوری در خصوص مسئله نمایندگی نیز انتقاد و اعلام کرد که اولاً شرکت «سی. آند ام.» هیچ دلیلی مبنی بر وجود رابطه نمایندگی ابراز نکرده است؛ ثانیاً، حتی اگر چنین رابطه‌ای هم وجود داشته، دیگر نیازی به استناد به دکترین «گروه شرکت‌ها» از سوی این شرکت نبوده است.^{۹۳} در نتیجه، دادگاه شهرستان آن بخش از رای داوری را که به نفع شرکت‌های غیرامضاکننده از گروه «سی. آند ام.» صادر شده بود، به دلیل عدم صلاحیت دیوان داوری ابطال کرد.

۶۵. به این ترتیب، علی‌رغم اعتقاد برخی مبنی بر این که پرونده «پترسون فارمز» به تنهایی نمی‌تواند رویکرد حقوق انگلستان را در خصوص دکترین «گروه شرکت‌ها» نشان دهد و باید منتظر تحولات بعدی این نظام حقوقی نشست،^{۹۴} به نظر می‌رسد نظام حقوقی یاد شده بر اصل «نسبی بودن قراردادها» و رضایت به‌عنوان سنگ بنای داوری تأکید زیادی دارد و رویکرد آن در رد دکترین «گروه شرکت‌ها» قاطع است، تا آنجا که یک نویسنده انگلیسی در انتقاد به این دکترین می‌گوید: «این راه‌حلی است که اگر عمومیت یافته بود، علاوه بر تأثیر ناگواری که احتمالاً بر فرانسه به‌عنوان مقر داوری می‌گذاشت، واکنش عکس بازرگانان را برمی‌انگیخت و منجر به تهاجمات جدیدی علیه این آرا می‌گردید».^{۹۵}

93. Ibid., p. 582.

94. Gaffney, John P., 'The Group of Companies Doctrine and the Law Applicable to the Arbitration Agreement', MEALEY'S Int'l. Arb. Rep., Vol. 19, June 2004, p. 8.

95. Delaume, Georges R., 'Reflections on the Effectiveness of International Arbitral Awards', J. Int'l. Arb., Vol. 12, No. 1, March 1995, p. 9.

نتیجه‌گیری

۶۶. شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه شرکت‌ها دایر بر مدار تفسیر اراده مشترک و متقابل طرفین و کشف انتظارات معقول و منصفانه آن‌ها در پرتو اصل «حسن نیت» می‌باشد. چنانچه رضایت صریح اشخاص در گیر در رابطه حقوقی به داوری ابراز نشده باشد، دیوان داوری باید در هر مورد به تفسیر اسناد قراردادی و رفتار و اعمال طرفین در مراحل مختلف رابطه حقوقی همت گمارد تا در صورت احراز رضایت ضمنی اشخاص غیرامضاکننده به داوری، آن‌ها را به‌عنوان طرف واقعی ولی پنهان قرارداد داوری شناسایی کند.

۶۷. رضایت ضمنی اعضای غیرامضاکننده گروه شرکت‌ها به داوری از عوامل مختلفی استنباط می‌شود: مداخله و مشارکت مؤثر و واقعی اعضای غیرامضاکننده در مراحل مختلف مذاکره، انعقاد، اجرا و خاتمه قرارداد، منفعت مستقیم آن‌ها در قرارداد منعقد شده، التزام عملی آن‌ها به برخی از تعهدات تعریف شده در قرارداد و این که روح حاکم بر معامله گویای آن است که طرف دیگر قرارداد می‌خواسته با کل گروه قرارداد منعقد کند و در عمل نیز کل گروه طرف قرارداد بوده و آن را اجرا کرده است. بی‌گمان نمی‌توان این موضوع را که شرکت‌های مختلف در گیر در معامله، واقعیت اقتصادی واحدی را ایجاد می‌کنند و کل گروه در معاملات انجام شده از منافع اقتصادی برخوردار است، در ارزیابی و تفسیر اراده طرفین نادیده گرفت.

۶۸. مطالعه حقوق تطبیقی نشان می‌دهد که دکترین «گروه شرکت‌ها» که در نظام حقوقی فرانسه متولد شد، تلاشی برای نگاه اقتصادی حقوق به روابط دنیای تجارت

بین‌الملل بوده است. این تئوری از روز آغازین هرگز نسبت به قلب رسیدگی داورى یعنی رضایت به داورى از سوى تمام اطراف رابطه حقوقى بی‌توجه نبوده و در ابتدا در کنار واقعیت اقتصادى واحد گروه شرکت‌ها و پس از مدتی به‌طور انحصارى، مداخله و مشارکت واقعی و مؤثر اشخاص غیرامضاکننده را از عوامل اساسی احراز رضایت ضمنى به داورى قلمداد کرده است. اما، دکترین یاد شده در هیچ یک از نظام‌های حقوقى سويس، ایالات متحده و انگلستان مورد استقبال قرار نگرفته است. با وجود این، در نظام حقوقى سويس اخیراً در تعیین اطراف واقعی قرارداد داورى به مداخله و مشارکت مؤثر اشخاص غیرامضاکننده در انعقاد و اجرای قرارداد توجه شده است. در نظام کامن‌لا، در حالی که در نظام حقوقى انگلستان بر اصل «نسبی بودن قراردادها» به شدت تأکید می‌شود و جز در موارد استثنایی با گسترش شرط داورى موافقت نمی‌گردد، در نظام حقوقى ایالات متحده رویکرد معتدل‌تری نسبت به این موضوع اتخاذ شده است و شرط داورى بر اساس اصول عمومى حقوق قراردادها و نمایندگی به اشخاص غیرامضاکننده تسری می‌یابد. در نظام حقوقى ایران نیز بدون دسترسى به رویه داورى و قضایی، به نظر می‌رسد شناسایی اشخاص غیرامضاکننده به‌عنوان اطراف واقعی ولى پنهان قرارداد داورى بر مبنای احراز رضایت ضمنى تمام اطراف، با مبانی حقوقى ایران منافاتی ندارد.

۶۹. تضمین ثبات، قابلیت پیش‌بینی و امنیت در روابط تجارى بین‌المللی و حفظ و افزایش مطلوبیت داورى به‌عنوان روش حل اختلاف مستلزم آن است که داوران و دادگاه‌های ملی در این موارد بدون تعصب و پیش‌داورى به تفسیر اراده مشترک طرفین پردازند و تنها در صورت احراز رضایت به داورى، اشخاص غیرامضاکننده را به‌عنوان طرف واقعی

شرط داوری شناسایی کرده و آثار شرط داوری را به آن‌ها تسری دهند تا به این ترتیب، هم به اصل «نسبی بودن قراردادهای» و ماهیت رضایی داوری لطمه وارد نشود و هم به اصل «حسن نیت» و کارآمدی داوری توجه گردد.

منابع

الف: فارسی

۱. جنیدی، لعیاء، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. سیفی، سیدجمال، "قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسترال"، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، صص ۴۳-۹۸.
۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۴. محبی، محسن، "نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی"، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و چهارم، ۱۳۷۸، صص ۱۱۹-۳۱.
۵. مرادی، فهیمه، گسترش قلمرو شخصی شرط داوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، استاد راهنما: آقای دکتر محمدعلی بهمنی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

ب: انگلیسی

A. Books and Articles

1. Bamforth, Richard, and Maidment, Katerina, "All Join in" or Not? How Well Does International Arbitration Cater for Disputes Involving Multiple Parties or Related Claims?', ASA Bull., Vol. 27, No. 1, 2009, pp. 3-25.

2. Blessing, Marc, Introduction to Arbitration – Swiss and International Perspectives, Helbing & Lichtenhahn, 1999.
3. Born, Gary B., International Commercial Arbitration, Vol. I, Kluwer Law International, The Netherlands, 2009.
4. Courtney, Tae, 'Binding Non-Signatories to International Arbitration Agreements: Raising Fundamental Concerns in the United States and Abroad', Richmond Journal of Global Law & Business, Vol. 8, No. 4, 2008-2009, pp. 581-594.
5. Craig, William Laurence, Park, William W., and Paulsson, Jan, Craig, Park & Paulsson's Annotated Guide to the 1998 ICC Arbitration Rules: with Commentary, Oceana Publications, Inc., 1998.
6. Delaume, Georges R., 'Reflections on the Effectiveness of International Arbitral Awards', J. Int'l. Arb., Vol. 12, No. 1, March 1995, pp. 5-19.
7. Derains, Yves, and Schwarz, Eric A., A Guide to the ICC Rules of Arbitration, Kluwer Law International, 2005.
8. Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999.
9. Gaffney, John P., 'The Group of Companies Doctrine and the Law Applicable to the Arbitration Agreement', MEALEY'S Int'l. Arb. Rep., Vol. 19, June 2004.
10. Habegger, Philipp, 'Extension of Arbitration Agreements to Non-Signatories and Requirements of Form – Case Note: Swiss Federal Tribunal Decision of 16 October 2003 in the matter X. S.A.L., Y. S.A.L., A. v. Z.Sàrl (4P.115/2003)', ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004.
11. Hanotiau, Bernard, 'Multiple Parties and Multiple Contracts in International Arbitration', in: Macmahon, Belinda (ed.), Multiple Party Actions in International Arbitration, Oxford University Press, 2009.
12. Hanotiau, Bernard, 'Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues-An Analysis', J. Int'l. Arb., Vol. 18, No. 3, June 2001.
13. Hosking, James M., 'Non-Signatories and International Arbitration in the United States: the Quest for Consent', Arbitration International, Vol. 20, No. 3, 2004.
14. Hosking, James M., 'The Third Party Non-Signatory's Ability to Compel International Commercial Arbitration: Doing Justice Without Destroying Consent', Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, Vol. 4, No. 3, 2004.
15. Mourre, Alexis, Vagenheim, Alexandre, "Extension" of the Arbitration Agreement, Joinders, Review of Awards Declining Jurisdiction and Public Policy: News from Paris and Lausanne', 12 May 2009, available at:

- <<http://kluwerarbitrationblog.com/blog/2009/05/12>>, last visited on February 12, 2013.
16. Park, William W., 'Non-Signatories and International Arbitration', in: Newman, Lawrence W., and Hill, Richard D. (eds.), *The Leading Arbitrators' Guide to International Arbitration*, Juris Publishing, Inc., 2nd ed., 2008, pp. 553-590.
 17. Poudret, Jean-François, and Besson, Sébastien, *Comparative Law of International Arbitration*, Berti, Stephen V., and Ponti, Annette (trs.), Thomson Sweet & Maxwell, 2007.
 18. Stucki, Blaise, and Wittmer, Schellenberg, 'Extension of Arbitration Agreements to Non-Signatories', ASA Below 40 - Conference of September 29, 2006, Geneva, pp. 1-9, available at: <<http://www.arbitration-ch.org/below-40/pdf/extension-bs.pdf>>, last visited on February 20, 2013.
 19. Vidal, Dominique, 'The Extension of Arbitration Agreements within Groups of Companies: The Alter Ego Doctrine in Arbitral and Court Decisions', ICC IC Arb. Bull., Vol. 16, No. 2, Fall 2005.
 20. Wilske, Stephan, Shore, Laurence, and Ahrens, Jan-Michael, 'The "Group of Companies Doctrine" – Where Is It Heading?', *The American Review of International Arbitration*, Vol. 17, No. 1, 2006.
 21. Woolhouse, Sarita Patil, 'Group of Companies Doctrine and English Arbitration Law', *Arbitration International*, Vol. 20, No. 4, 2003.

B. National Legislations

1. English Arbitration Act 1996, available at: <<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/23/contents>>, last visited on January 21, 2013.
2. Federal Arbitration Act of 1947, available at: <<http://www.adr.org/sp.asp?id=29568>>, last visited on May 11, 2013.
3. Switzerland's Federal Code on Private International Law of 18 December 1987 (PILA), available at: <<http://www.umbricht.ch/pdf/SwissPIL.pdf>>, last visited on March 1, 2013.

C. International Instruments

1. ICC - International Chamber of Commerce Arbitration Rules 1998, came into effect on 1 January 1998, available at: < <http://www.jus.uio.no/Im/icc.arbitration.rules.1998/>>, last visited on May 16, 2013.
2. The New ICC Arbitration Rules, 12 September 2011, in force as from 1 January 2012, available at: < <http://www.iccwbo.org/products-and-services/arbitration-and-adr/arbitration/icc-rules-of-arbitration/>>, last visited on May 15, 2013.
3. UN Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral

Awards (New York, 10 June 1958), available at: <<http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume%20330/volume-330-I-4739-English.pdf>>, last visited on January 27, 2013.

ج: فرانسه

A. Ouvrages et Articles

1. Hanotiau, Bernard, 'Les groupes de sociétés dans l'arbitrage commercial international', dans: Dely, Filip, Hanotiau, Bernard, Keutgen, Guy, Matray, Didier, Matray, Gautier, et Wymeersch, Eddy (éds.), La convention d'arbitrage groupes de sociétés et groupes de contrats, Bruylant, Bruxelles, 2007.
2. Poudret, Jean-François, 'L'extension de la clause d'arbitrage: approches française et suisse', J.D.I., Vol. 122, No. 4, 1995, pp. 893-915.
3. Poudret, Jean-François, 'Un statut privilégié pour l'extension de l'arbitrage aux tiers? Note à l'arrêt du Tribunal Fédéral du 16 Octobre 2003 dans la Cause X.Y.A. c. Y., 4P.115/2003', ASA Bull., Vol. 22, No. 2, 2004, pp. 390-397.
4. Poudret, Jean-François, et Besson, Sébastien, Droit comparé de l'arbitrage international, L.G.D.J., Paris, 2002.

B. Législations

1. Code de Procédure Civile de France (version consolidée au 11 Novembre 2011), available at: <<http://www.legifrance.gouv.fr>>, last visited on January 17, 2013.